



پاسخنامه

دوازدهم انسانی

۲۰ تیر ماه ۱۴۰۴

(آزمون تعیین سطح)

بنیاد علمی آموزشی قلم چی (وقف عام)

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب بین صبا و فلسطین پلاک ۹۲۳ - بنیاد علمی آموزشی قلم چی (وقف عام) ۶۴۶۳-۲۱

«تمام دارایی‌ها و درآمدهای بنیاد علمی آموزشی قلم چی وقف عام است بر گسترش دانش و آموزش»

پدیدآوردگان آزمون

طراحان به ترتیب حروف الفبا

نام درس	نام طراحان
ریاضی و آمار	محمد بحیرایی، احمد حسن زاده فرد، محمد حمیدی، امیر زراندوز، علیرضا عبدی، سعید عزیز خانی، امیر محمودیان
علوم و فنون ادبی	محمد ابوالحسنی، سید علیرضا احمدی، محسن اصغری، عزیز الیاسی پور، وحید رضازاده، عارفه سادات طباطبایی نژاد، سیدعلیرضا علویان، یاسین مهدیان، سیدمحمد هاشمی
جامعه‌شناسی	زینب آذری، امیرمهدی افشار، ریحانه امینی، آریتا بیدقی، علیرضا حیدری، کوثر شاه‌حسینی، فاطمه صفری، شهریار عبدالله، سیدمحمد مدنی دینانی، سید آرش مرتضائی فر
روان‌شناسی	حمیدرضا توکلی، مهدی جاهدی، محمد حبیبی، مهسا عفتی
عربی زبان قرآن	محمود بادربین، مجید بیگلری، بهروز حیدرکی، حسین رضایی، امیرحسین شکوری، حمیدرضا قائدامینی، مصطفی قدیمی فرد، مرتضی کاظم شیروودی، مصطفی کرمی نیا، روح‌الله گلشن، سیده محیا مؤمنی
منطق و فلسفه	حسین آخوندی راهنماچی، محمد آقاصالح، جواد پاکدل، سبا جعفرزاده صابری، عرفان دهدشनिया، پرگل رحیمی، محمد رضایی بقا، حمید سودیان، فرهاد قاسمی نژاد، علی معزی، علیرضا نصیری
اقتصاد	نسرين جعفری، علیرضا رضایی، سارا شریفی، مهدی ضیائی

گزینشگران و ویراستاران

نام درس	گزینشگر	مسئول درس	ویراستاران	مستندسازی
ریاضی و آمار	محمد بحیرایی	محمد بحیرایی	عباس مالکی، مهدی ملارمضانی	الهه شهبازی
علوم و فنون ادبی	محمد ابوالحسنی	محمد ابوالحسنی	سپیده فتح‌اللهی	فریبا رئوفی
جامعه‌شناسی	سید آرش مرتضائی فر	سید آرش مرتضائی فر	-	سجاد حقیقی پور
روان‌شناسی	محمد حبیبی	محمد حبیبی	ملیکا ذاکری، حسین سهرابی	محمد صدرا پنجه پور
عربی زبان قرآن	احسان کلاته‌عربی	سید محمدعلی مرتضوی	درویشعلی ابراهیمی	لیلا ایزدی
منطق و فلسفه	سیده سمیرا معروف	فرهاد علی نژاد	ایمان کلاته‌عربی، امیرمحمد قلعه‌کاهی	سوگند بیگلری
اقتصاد	سارا شریفی	سارا شریفی	سپیده فتح‌اللهی	سجاد حقیقی پور

گروه فنی و تولید

مدیر گروه	سید محمدعلی مرتضوی
مسئول دفترچه	امیرحسین کاروین
گروه مستندسازی	مدیر: محیا اصغری، مسئول دفترچه: لیلا ایزدی
حروف‌چین و صفحه‌آرا	مهشید ابوالحسنی
ناظر چاپ	حمید عباسی



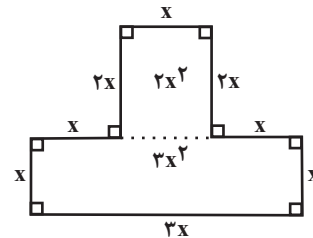
ریاضی و آمار (۱)

۱- گزینه «۳»

(معمد بهیاری)

$$12x = x + x + 2x + x + 2x + x + x + 3x$$

$$12x = 3x^2 + 2x^2 = 5x^2$$



$$\xrightarrow{\text{فرض مسئله}} 5x^2 = 12x \xrightarrow{x>0} 5x = 12$$

$$\Rightarrow x = \frac{12}{5} = 2 \frac{2}{5}$$

(ریاضی و آمار (۱)، حل معادله درجه دوم، صفحه ۱۳)

۲- گزینه «۲»

(معمد بهیاری)

فرض کنیم فنورز x میلیون تومان حقوق بگیرد، پس مهندس $2x$ و مدیر $\frac{3}{4}(2x) = 3x$ حقوق می‌گیرد.

$$2 \times 3x + 3 \times 2x + 7x = 190$$

$$\Rightarrow 19x = 190 \Rightarrow x = \frac{190}{19} = 10$$

$$20 = 2 \times 10 = 20$$

(ریاضی و آمار (۱)، معادله درجه دوم، صفحه ۱۳)

۳- گزینه «۱»

(سعید عزیزقانی)

$$x^2 + 3x = 1 \Rightarrow x^2 + 3x + \frac{9}{4} = 1 + \frac{9}{4}$$

$$\Rightarrow \left(x + \frac{3}{2}\right)^2 = 1 + \left(\frac{3}{2}\right)^2 \Rightarrow \begin{cases} k = \frac{3}{2} \\ \text{عدد } 1 + \frac{9}{4} = \frac{13}{4} \text{ که از آن جذر می‌گیریم} \end{cases}$$

$$\xrightarrow{+ \frac{19}{4}}$$

(ریاضی و آمار (۱)، معادله درجه دوم، صفحه‌های ۲۳ تا ۲۷)

۴- گزینه «۴»

(علیرضا عبیدی)

در معادله $ax^2 + bx + c = 0$ در صورت داشتن دو ریشه داریم:

$$\begin{cases} S = -\frac{b}{a} \\ P = \frac{c}{a} \end{cases}$$

$$S = -\frac{b}{a} \Rightarrow \frac{-(m+4)}{-3} = 4 \Rightarrow m+4=12 \Rightarrow m=8$$

$$P = \frac{c}{a} \Rightarrow p = \frac{m}{-2} = \frac{8}{-2} = -4$$

(ریاضی و آمار (۱)، حل معادله درجه دوم، صفحه‌های ۲۷ تا ۳۲)

۵- گزینه «۴»

(سعید عزیزقانی)

اگر یک را بین n نفر تقسیم کنیم به هر نفر $\frac{1}{n}$ می‌رسد. حالا $\frac{1}{n}$ از یک را به یک نفر داده و او می‌رود و مقدار باقیمانده از یک $\left(1 - \frac{1}{n}\right)$ است. از n نفر یک نفر کم شده و به آن ۵ نفر اضافه می‌شود و تعداد نفرات جدید $n+4$ نفر هستند که باقیمانده یک بین آن‌ها تقسیم می‌شود. معادله گویای صورت سؤال را تشکیل می‌دهیم:

$$\frac{1}{n} - \frac{1}{n+4} = \frac{1}{12}$$

$$\frac{1}{n} - \frac{n-1}{n(n+4)} = \frac{1}{12}$$

$$\text{ک.م.م. } 12n(n+4): \Rightarrow 12(n+4) - 12(n-1) = n(n+4)$$

$$\Rightarrow n^2 + 4n - 60 = 0 \Rightarrow (n+10)(n-6) = 0$$

$$\Rightarrow \begin{cases} n = -10 & \text{غیرقابل قبول} \\ n = 6 & \text{قابل قبول} \end{cases}$$

تعداد نفرات اولیه $n=6$ نفر و تعداد نفرات در مرحله دوم $n+4=10$ نفر

هستند.

(ریاضی و آمار (۱)، معادله درجه دوم، صفحه‌های ۳۳ تا ۳۸)

۶- گزینه «۲»

(احمد حسن زاده فرد)

$$\xrightarrow{f \text{ تابع}} (2, a+3) = (2, 7) \Rightarrow a+3=7 \Rightarrow a=4$$

$$\xrightarrow{f \text{ تابع}} (2, b^2-1) = (2, 3) \Rightarrow b^2-1=3$$

$$\Rightarrow b^2 = 4 \Rightarrow \begin{cases} b = 2 \\ b = -2 \end{cases}$$

$$\xrightarrow{b=2} a+b = 4+2 = 6$$

$$\xrightarrow{b=-2} a+b = 4-2 = 2$$

$$6-2=4 = \text{اختلاف مقادیر ممکن}$$

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحه‌های ۳۰ تا ۳۹)

۷- گزینه «۴»

(امیر زراندوز)

مختصات نقطه داده شده در شکل را در معادله سهمی قرار می‌دهیم:

$$y = -x^2 + 7x + k \xrightarrow{\begin{matrix} x=3 \\ y=2 \end{matrix}} 2 = -9 + 21 + k \Rightarrow k = -10$$



ریاضی و آمار (۲)

(علی قهرمان زاده)

گزینه ۳»

با توجه به محدوده $\frac{7}{3} < x < \frac{8}{3}$:

$$\begin{aligned} |x-2| &= x-2 \\ |-x| &= x \end{aligned} \Rightarrow y = [x-2+2x] + 2x + 2x$$

$$y = [3x-2] + 4x = [3x] - 2 + 4x$$

$$\frac{7}{3} < x < \frac{8}{3} \xrightarrow{\times 3} 7 < 3x < 8 \Rightarrow [3x] = 7$$

$$\Rightarrow y = 7 - 2 + 4x \Rightarrow y = 4x + 5 \Rightarrow b = 5$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۳۷ تا ۴۴)

(مهمر بفرایی)

گزینه ۴»

$$D_f = \{-2, -1, 0, 1, 2, 3\} \Rightarrow a = 3$$

$$R_f = \{-3, 0, 2, 4\} \Rightarrow b = 3$$

$$\Rightarrow a + b = 3 + 3 = 6$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۲۲ تا ۲۴)

(سعید عزیزقانی)

گزینه ۲»

تک تک گزینه‌ها را بررسی می‌کنیم.

$$p \equiv T \quad (1)$$

$$\overbrace{((T \Rightarrow q) \vee r)}^q \Leftrightarrow \overbrace{((T \wedge q) \Rightarrow r)}^q \equiv (q \vee r) \Leftrightarrow (q \Rightarrow r)$$

$$p \equiv F \quad (2)$$

$$\begin{aligned} \overbrace{((F \Rightarrow q) \vee r)}^T &\Leftrightarrow \overbrace{((F \wedge q) \Rightarrow r)}^F \equiv \overbrace{(T \vee r)}^T \Leftrightarrow \overbrace{(F \Rightarrow r)}^T \\ &\equiv T \Leftrightarrow T \equiv T \end{aligned}$$

این گزینه صحیح است.

$$r \equiv F \text{ و } q \equiv T \quad (3)$$

$$\begin{aligned} \overbrace{((p \Rightarrow T) \vee F)}^T &\Leftrightarrow \overbrace{((p \wedge T) \Rightarrow F)}^P \equiv \overbrace{(T \vee F)}^T \Leftrightarrow \overbrace{(p \Rightarrow F)}^{\sim P} \\ &\equiv T \Leftrightarrow \sim p \equiv \sim p \end{aligned}$$

$$q \equiv F \quad (4)$$

$$\overbrace{((p \Rightarrow F) \vee r)}^F \Leftrightarrow \overbrace{((p \wedge F) \Rightarrow r)}^F \equiv \overbrace{(\sim p \vee r)}^F \Leftrightarrow T$$

در نهایت برای تعیین ارزش گزاره داده شده نیاز داریم ارزش گزاره‌های p و r را بدانیم، پس این گزینه هم، صحیح نیست.

(ریاضی و آمار (۲)، آشنایی با منطق و استرلال ریاضی، صفحه‌های ۲ تا ۱۰)

$$y = -x^2 + 7x - 10 \Rightarrow x_s = \frac{-b}{2a} = \frac{-7}{2(-1)} = \frac{7}{2}$$

$$\begin{aligned} \Rightarrow y_s &= -\left(\frac{7}{2}\right)^2 + 7\left(\frac{7}{2}\right) - 10 = -\frac{49}{4} + \frac{49}{2} - 10 \\ &= \frac{-49 + 98 - 40}{4} = \frac{9}{4} = 2 \frac{1}{4} \end{aligned}$$

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحه‌های ۶۳ تا ۷۰)

(امیر محمودیان)

گزینه ۲»

هزینه - درآمد = سود

$$\text{سود} = x(15000 - 2x) - ax = -2x^2 + (15000 - a)x$$

$$\text{سود} = \frac{-\Delta}{4a} = \frac{4ac - b^2}{4a} = \frac{-b^2}{4a} = \frac{-(15000 - a)^2}{-8}$$

$$= \frac{(15000 - a)^2}{8} = 1250000 \Rightarrow (15000 - a)^2 = 10000000$$

$$\Rightarrow 15000 - a = 10000 \Rightarrow a = 5000$$

$$\text{سود} = -2x^2 + 10000x \xrightarrow{x=1000}$$

$$\text{سود} = -2(1000)^2 + 10000(1000)$$

$$= -2000000 + 10000000 = 8000000 = 8 \text{ میلیون تومان}$$

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحه‌های ۶۳ تا ۷۰)

(مهمر بفرایی)

گزینه ۳»

ابتدا ضابطه تابع f را می‌نویسیم:

$$x^3 \rightarrow \text{ثلث آن} : x^3 \rightarrow \text{مکعب عدد} : x \rightarrow \text{عدد حقیقی}$$

$$\Rightarrow f(x) = \frac{1}{3}x^3 - 4$$

$$\Rightarrow f(2) \times f(-1) = \left(\frac{1}{3} \times 2^3 - 4\right) \left(\frac{1}{3}(-1)^3 - 4\right)$$

$$= \left(\frac{8}{3} - \frac{12}{3}\right) \left(-\frac{1}{3} - 4\right) = \left(-\frac{4}{3}\right) \times \left(-\frac{13}{3}\right) = \frac{52}{9}$$

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحه‌های ۵۰ تا ۵۶)

(مهمر بفرایی)

گزینه ۴»

$$f(x) = mx + h \Rightarrow f(2) + f(14) = 42$$

$$\Rightarrow (2m + h) + (14m + h) = 42 \Rightarrow 16m + 2h = 42$$

$$\Rightarrow 8m + h = 21$$

$$f(8) = 8m + h = 21$$

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحه‌های ۵۷ و ۶۲)



۱۴- گزینه «۴»

(امیر زراندوز)

ارزش مقدم در متن سؤال درست است و با توجه به گزینه‌ها ارزش « $\frac{\sqrt{1}}{5}$ » عددی گنگ است» نادرست است. در نتیجه ارزش کل گزاره، نادرست خواهد شد.
دقت کنید که $N \not\subseteq Q$ ارزش نادرست دارد و ارزش گزاره شرطی در این صورت نادرست می‌شود. هم‌چنین $Z \subseteq N$ ارزش نادرست دارد و ارزش گزاره شرطی در این صورت نیز نادرست می‌شود.

(ریاضی و آمار (۲)، آشنایی با منطق و استرلال ریاضی، صفحه‌های ۲ تا ۱۱)

۱۵- گزینه «۱»

(امیر زراندوز)

ارزش $(p \vee q \vee \sim r)$ نادرست است، پس ارزش‌های p و q و $\sim r$ همگی نادرست هستند، لذا داریم:

$$(p \Rightarrow \sim q) \equiv (F \Rightarrow T) \equiv T$$

ارزش بقیه گزاره‌ها نادرست است.

(ریاضی و آمار (۲)، آشنایی با منطق و استرلال ریاضی، صفحه‌های ۲ تا ۱۱)

۱۶- گزینه «۳»

(مهمر پیریایی)

در تابع همانی به‌صورت زوج مرتب، مؤلفه‌های اول و دوم در هر زوج مرتب یکسان‌اند. بنابراین:

$$2a - 2 = 8 \Rightarrow 2a = 10 \Rightarrow a = 5$$

$$3b = a + 1 \Rightarrow 3b = 5 + 1 = 6 \Rightarrow b = 2$$

$$4c = a + b = 5 + 2 \Rightarrow c = \frac{7}{4}$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۲۵ تا ۳۳)

۱۷- گزینه «۱»

(مهمر پیریایی)

در تابع ثابت f برد تک‌عضوی است، پس مقادیر مؤلفه دوم همه زوج‌مرتبه‌ها برابرند.

$$4a + 1 = 13 = b - 2 \Rightarrow \begin{cases} 4a + 1 = 13 \Rightarrow a = 3 \\ b - 2 = 13 \Rightarrow b = 15 \end{cases}$$

در ضابطه تابع ثابت g ضریب x^2 و x باید برابر صفر باشد. بنابراین:

$$2d - 6 = 0 \Rightarrow d = 3$$

$$5 - c = 0 \Rightarrow c = 5$$

$$\Rightarrow \text{میانگین} = \frac{3 + 15 + 5 + 2}{4} = \frac{25}{4} = 6 \frac{1}{4}$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۲۵ تا ۳۳)

۱۸- گزینه «۱»

(مهمر پیریایی)

با توجه به نمودار f_5 را به‌دست می‌آوریم:

$$f_3(x) = 2x - 1 + x + 3 = 3x + 2$$

$$f_4(x) = 2(2x - 1) - (x + 3) = 3x - 5$$

$$f_5(x) = \frac{3x + 2}{3x - 5} \Rightarrow f_5(6) = \frac{3 \times 6 + 2}{3 \times 6 - 5} = \frac{20}{13}$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۴۵ تا ۵۴)

۱۹- گزینه «۲»

(مهمر پیریایی)

چون در بین داده‌ها داده ۵۴ داده دور افتاده است، پس برای محاسبه خط فقر مناسب از نصف میانه استفاده می‌کنیم:

داده‌ها را مرتب می‌کنیم:

$$10, 12, 13, \underbrace{14, 15}_{\text{میانه}}, 16, 18, 54$$

$$\text{میانه} = \frac{14 + 15}{2} = 14.5$$

$$\Rightarrow \text{خط فقر} = \frac{14.5}{2} = 7.25$$

(ریاضی و آمار (۲)، آمار، صفحه‌های ۵۶ تا ۶۱)

۲۰- گزینه «۱»

(امیر زراندوز)

با توجه به فرمول نرخ بیکاری داریم:

$$\text{نرخ اولیه بیکاری} = \frac{\text{تعداد بیکاران}}{\text{جمعیت فعال}} \xrightarrow{\text{اسم‌گذاری}} y = \frac{x}{z} \Rightarrow x = yz$$

$$\text{نرخ جدید بیکاری} = \frac{\text{تعداد جدید بیکاران}}{\text{جمعیت جدید فعال}}$$

$$\Rightarrow \frac{1}{2}y = \frac{t}{3z} \Rightarrow \frac{y}{2} = \frac{t}{3z} \xrightarrow{\text{طرفین وسطین}} \frac{1}{2}y = \frac{t}{3z}$$

$$2t = 3yz \Rightarrow t = \frac{3}{2}yz \Rightarrow t = \frac{3}{2}x = 1.5x$$

بنابراین تعداد بیکاران جدید 1.5 برابر تعداد بیکاران اولیه است.

(ریاضی و آمار (۲)، آمار، صفحه‌های ۶۰ تا ۶۱)



علوم و فنون ادبی (۱)

۲۱- گزینه ۳

(مفهم ابوالحسنی)

- بر اساس موضوع و نوع: سبک عرفانی، سبک حماسی
 - بر اساس هدف: سبک تعلیمی، سبک فکاهی
 - به تناسب مخاطب: سبک عامیانه، سبک عالمانه
 - بر اساس قلمرو دانشی: سبک علمی، سبک فلسفی
- (علوم و فنون ادبی (۱)، تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، صفحه‌های ۶۰ و ۶۱)

۲۲- گزینه ۳

(مفهم ابوالحسنی)

- فراوانی ترکیبات نو: ویژگی زبانی
 - رواج هجو در شعر: ویژگی فکری
 - به‌کارگیری ردیف‌های فعلی و اسمی دشوار در شعر: ویژگی ادبی
- (علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۸۴ و ۸۵)

۲۳- گزینه ۴

(یاسین مهریان)

- «روی»، «جوی» و «سوی» واژگان قافیه‌اند که «ی» آن‌ها الحاقی می‌باشد؛ بنابراین قافیه مطابق تبصره قافیه سروده شده است. حرف اصلی قافیه، مصوت بلند «و» می‌باشد؛ بنابراین، قافیه مطابق قاعده «۱» سروده شده است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

- گزینه «۱»: «بتان»، «جان» و «آن»: واژگان قافیه / فاقد حروف الحاقی / حروف اصلی: «ان» ← قافیه مطابق قاعده «۲» است و به‌دلیل نداشتن حروف الحاقی، بر مبنای تبصره قافیه نیست.

- گزینه «۲»: «صفا»، «جلا» و «فنا»: واژگان قافیه / فاقد حروف الحاقی / حرف اصلی: مصوت بلند «ا» ← قافیه مطابق قاعده «۱» است؛ اما مطابق تبصره قافیه نیست؛ چون فاقد حروف الحاقی می‌باشد.

- گزینه «۳»: «دیده‌ای»، «پرسیده‌ای» و «رنجیده‌ای»: واژگان قافیه / حروف الحاقی: «ای» / حروف اصلی: «ید» ← قافیه مطابق قاعده «۲» و تبصره قافیه می‌باشد.

(علوم و فنون ادبی (۱)، قافیه، صفحه‌های ۹۰ و ۹۱)

۲۴- گزینه ۴

(سیدعلیرضا امیری)

- «عقل و نقل» تنها قافیه این بیت هستند.

تشریح سایر گزینه‌ها:

- گزینه «۱»: نیکو و او / نهاد (سرشت) و نهاد (نهادن)
- گزینه «۲»: طاعت و رحمت / پیش و بیش
- گزینه «۳»: حمرا و سودا / نیست (استادی) و نیست (وجود ندارد)

(علوم و فنون ادبی (۱)، قافیه، صفحه‌های ۹۱ و ۹۲)

۲۵- گزینه ۳

(مفهم ابوالحسنی)

تعداد هجاهای کشیده هر گزینه:

- گزینه اول: شکر / چنگ / جام / ننگ / نام
- گزینه دوم: شیر / پیر / «نیس» در نیستم
- گزینه سوم: چرخ / هفت
- گزینه چهارم: ماه / سرو

(علوم و فنون ادبی (۱)، موسیقی شعر، صفحه ۳۸)

۲۶- گزینه ۲

(یاسین مهریان)

بیت «ب»: تکرار: واژه‌های «دل» و «تن»

بیت «ج»: ترصیع: تقابل سجع‌های متوازی در این بیت، پدیدآورنده آرایه ترصیع است (توجه داشته باشید که واژه «مولی» به‌شکل «مولا» تلفظ می‌شود؛ بنابراین، واژه «مولی» با واژه «دنیا» سجع متوازی دارند).

بیت «الف»: واج‌آرایی: صامت «س»

بیت «د»: موازنه: تقابل سجع‌های متوازی و متوازن در این بیت، پدیدآورنده آرایه موازنه است.

توجه: بیت «الف»، فاقد موازنه است؛ زیرا واژه «درد» و واژه «آلم» هم‌وزن نیستند.

(علوم و فنون ادبی (۱)، بدیع لفظی، ترکیبی)

۲۷- گزینه ۱

(یاسین مهریان)

در این بیت، «دوری» در معنای «دور هستی» و «ذور» در معنای «روزگار» به‌کار رفته است و نمی‌توانند پدیدآورنده آرایه اشتقاق باشند.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: «تکبر» و «کبریا»

گزینه «۳»: «احتیاج» و «حاجت»

گزینه «۴»: «داد» و «دادگر»

(علوم و فنون ادبی (۱)، بدیع لفظی، صفحه ۹۹)

۲۸- گزینه ۲

(مفهم ابوالحسنی)

الف) سجع مطرف بین زبینه و درخورنده

ب) سجع متوازن بین محجوب و معذور

ج) سجع متوازی بین باریک و تاریک

(علوم و فنون ادبی (۱)، بدیع لفظی، صفحه‌های ۵۲ و ۵۳)



تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۲: احسن التواریخ: نثر بینابین

گزینه ۳: جامع عباسی: نثر ساده / محبوب القلوب: نثر مصنوع

گزینه ۴: احسن التواریخ: نثر بینابین

(علوم و فنون ادبی (۲)، تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۸۳ و ۸۴)

۳۴- گزینه ۲

(سیرعلیرضا علویان)

وزن این بیت «مفتعلن مفتعلن فاعلن» است. وزن گزینه ۱ «مفتعلن

مفتعلن مفتعلن؛ گزینه ۳ «مفتعلن مفاعیلن مفتعلن مفاعیلن و وزن گزینه

۴ «مفتعلن فاعلات مفتعلن فع می‌باشد.

(علوم و فنون ادبی (۲)، موسیقی شعر، ترکیبی)

۳۵- گزینه ۴

(یاسین مهریان)

این بیت، در وزن «مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن» سروده شده است که

وزن همسان دولختی (دوری) به‌شمار می‌آید.

وزن سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱ «مستفععلن مستفععلن مستفععلن (همسان تک‌پایه‌ای)

گزینه ۲ «مفتعلن مفتعلن مفتعلن (همسان تک‌پایه‌ای)

نکته: صرفاً این که در پایان نیم‌مصراع‌های بیت مکت داشته باشیم، دلیل

کافی برای دولختی بودن وزن بیت نیست؛ بلکه حتماً باید ارکان عروضی

بیت، یک در میان تکرار شوند. (در پایان نیم‌مصراع‌های گزینه‌های ۱ و

۲ «مکت وجود دارد ولی وزن آن‌ها، همسان تک‌پایه‌ای است.)

گزینه ۳ «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فعلن (همسان تک‌پایه‌ای)

(علوم و فنون ادبی (۲)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۸۸ تا ۹۲)

۳۶- گزینه ۲

(وهید ره‌شازاده)

«جهان» در این بیت حقیقت است و نه مجاز. در سایر ابیات جهان مجاز از

مردم جهان است. (علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، صفحه‌های ۵۱ و ۵۲)

۳۷- گزینه ۳

(کتاب آبی)

بیت فاقد استعاره است. / کنایه: «پا به سنگ آمدن»، «به فرق پوییدن»

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱ «استعاره: در طعنه / کنایه: «زبان دراز کردن»

گزینه ۲ «استعاره: دامن تسلیم، دامن رضا / کنایه: «دست در چیزی

زدن»، «از پای درآوردن»

گزینه ۴ «استعاره: عذرخواهی کردن نفس / کنایه: «مهر بر لب زدن»

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، ترکیبی)

۲۹- گزینه ۲

(مفسن اصغری)

مفهوم مشترک عبارت صورت سؤال و ابیات مرتبط «تغییرناپذیری سرشت و آفرینش آدمی» است.

مفهوم بیت گزینه ۲: «آن کسی که محبتش را در دل ما قرار داد، رنج و محنت را نیز نصیب ما گردانید.

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفعول، صفحه ۳۱)

۳۰- گزینه ۴

(سیرعلیرضا احمدری)

مفهوم بیت صورت سؤال: ترجیح غم عشق بر شادی‌های پوچ دنیوی - غم‌پرستی (غم مثبت)

شاعر در بیت گزینه ۴ «عیناً می‌گوید که من غم عشق او را بر راحتی خود ترجیح می‌دهم.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «توصیف‌ناپذیری غم عشق (یعنی اینکه توصیف غم عشق هرگز پایانی ندارد و در کلام نمی‌گنجد).

گزینه ۲: دوری از غم و گرایش به شادی و خوشی (غم منفی).

گزینه ۳: اغتنام فرصت و پرهیز از غفلت

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفعول، صفحه ۲۳)

علوم و فنون ادبی (۲)

۳۱- گزینه ۱

(عزیز الیاسی‌پور)

تنها موارد «ج» و «د» مربوط به سبک عراقی هستند و بقیه موارد، به سبک خراسانی تعلق دارند.

(علوم و فنون ادبی (۲)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۳۷ و ۳۸)

۳۲- گزینه ۳

(عارفه‌سادات طباطبایی‌نژاد)

بررسی موارد نادرست:

پ) در این دوره فرهنگ هند همچنان از فرهنگ ایرانی تأثیر می‌پذیرفت.

ت) از مفاخر هنر در این دوره می‌توان به بهزاد (در دوره شاه اسماعیل) اشاره کرد.

(علوم و فنون ادبی (۲)، تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۵۸ تا ۶۰)

۳۳- گزینه ۱

(کتاب آبی)

رشحات عین‌الحیات: نثر ساده / حبیب‌السیر: نثر بینابین / محبوب القلوب: نثر مصنوع



جامعه‌شناسی (۱)

(شهریار عبدالله)

گزینه ۴۱- «۳»

بررسی گزینه‌ها:

گزینه «۱»: غلط (کنش وابسته به آگاهی آدمی است به گونه‌ای که بدون آگاهی انجام نمی‌شود؛ پس یعنی کنش ناخودآگاه نداریم). - غلط (برخی از پیامدهای کنش به اراده افراد انسانی یعنی خود کنشگر یا دیگران وابسته است؛ پس پیامدی که به اراده دیگران وابسته است هم جزء پیامدهای ارادی است).

گزینه «۲»: صحیح - صحیح

گزینه «۳»: صحیح - غلط (پیامد غیرارادی کنش قطعی است؛ زیرا نتیجه طبیعی کنش است).

گزینه «۴»: صحیح - صحیح

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۳ تا ۸)

گزینه ۴۲- «۲»

(فاطمه صفری)

حقوق بشر، جزء ارزش‌های اجتماعی است؛ بنابراین مربوط به لایه عمیق جهان اجتماعی می‌باشد و از طرفی دارای بعد معنایی، نامحسوس و ذهنی است.

ادب، از ارزش‌های اجتماعی است؛ بنابراین مربوط به لایه عمیق جهان اجتماعی می‌باشد و از طرف دیگر چون رعایت کردن یک رفتار قابل مشاهده می‌باشد، در نتیجه عینی است.

داستان، یک نماد اجتماعی است؛ بنابراین مربوط به لایه سطحی جهان اجتماعی می‌شود و چون امری افسانه‌ای و غیرقابل مشاهده در عالم واقعی است، ذهنی محسوب می‌شود.

شیوه احوال‌پرسی، از جمله هنجارهای اجتماعی است؛ بنابراین مربوط به لایه سطحی جهان اجتماعی است و از طرفی چون یک رفتار قابل مشاهده است، در نتیجه امری عینی و محسوس است.

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۳۱ و ۳۲)

۳۸- گزینه «۳»

(سیرمهر هاشمی)

در بیت این گزینه، گفته شده است که فراق و هجران، درمان‌پذیر نیست و عاشق چاره‌ای جز پذیرش درد تلخ هجران ندارد، اما در دیگر گزینه‌ها، مانند بیت صورت سؤال، گفته شده است با وجود آنکه فراق و هجران دشوار است، اما عاشق باید به آن تن دردهد، زیرا در نهایت، جان عاشق را پاک و ارزشمند می‌گرداند.

به صورت کلی گزینه «۳» درد عشق را نامطلوب می‌شمرد، اما دیگر گزینه‌ها آن را مطلوب می‌دانند.

(علوم و فنون ادبی (۲)، مفهوم، صفحه ۳۰)

۳۹- گزینه «۳»

(مفسن اصغری)

مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و بیت گزینه «۳»: انسان‌های بزرگ بیشتر در معرض سختی و رنج روزگار هستند. (هر که را سر بزرگ، درد بزرگ)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: شکوه شاعر از ستم روزگار

گزینه «۲»: توصیه به خوش باشی به دلیل ناممکن بودن رهایی از ستم روزگار

گزینه «۴»: تفاخر شاعر به مقام و جایگاه معنوی بلند خود

(علوم و فنون ادبی (۲)، مفهوم، صفحه ۳۲)

۴۰- گزینه «۳»

(سیرمهر هاشمی)

در بیت صورت سؤال، گفته شده است که تنها انسان‌های پخته و عاشق، رنج و درد عشق را درک می‌کنند و نباید از غم و درد عشق با خامان سخن گفت. در بیت سوم نیز گفته شده است: انسان‌های خامی که در راه عشق و عاشقی گامی برنداشته‌اند، از ذوق عشق بی‌خبرند و برای سخن گفتن از عشق باید به دنبال افرادی گشت که این راه سخت را پیموده‌اند.

بررسی دیگر ابیات:

گزینه «۱»: دل انسان‌های خام با حرکت در جاده عشق و عاشقی، به کمال و پختگی می‌رسد.

گزینه «۲»: انسان‌های خام، با پیرشدن نیز به مرحله کمال در عشق نمی‌رسند.

گزینه «۴»: افراد خام، چاره‌ای غیر از آزمودن فراز و فرودهای جاده روزگار ندارند.

(علوم و فنون ادبی (۲)، مفهوم، صفحه ۳۴)



۴۳- گزینه «۱»

(آزیتا بیرقی)

علوم عقلانی و وحیانی ← جهان متجدد این علوم را علم نمی‌شناسد.

کنش حسابگرانه معطوف به دنیا ← استفاده از علم اقتصاد و حسابداری

زوال عقلانیت ذاتی ← از دست رفتن دانش اهداف و ارزش‌ها

محصول انحراف بشر از فرهنگ توحیدی ← فرهنگ اساطیری

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۵۱ تا ۵۳)

۴۴- گزینه «۳»

(فاطمه صفری)

جوامع دنیاگیز، مانع بسط ابعاد دنیوی وجود انسان می‌شوند و نسبت به

نیازهای مادی و دنیوی انسان بی‌توجه‌اند و از توانمندی‌های آدمی برای

آباد کردن این جهان استفاده نمی‌کنند.

از جمله فرصت‌های جهان متجدد از دیدگاه وبر این است که آدمیان در این

جهان برای رسیدن اهدافشان، از علوم تجربی استفاده می‌کنند. این علوم با

روش تجربی و فناوری حاصل از آن، قدرت پیش‌بینی و پیشگیری از حوادث

و مسائل طبیعی همانند بیماری، زلزله، سیل و ... و مسلط شدن بر آن‌ها را

به انسان می‌دهد. گزینه‌های «۱» و «۴» به محدودیت‌های جهان متجدد

اشاره دارد.

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۴۹، ۵۱ تا ۵۳)

۴۵- گزینه «۴»

(سیرمهر مدنی دینانی)

- جامعه‌ای که روابط آن براساس ارزش‌های اقتصادی (جامعه سرمایه‌داری)

می‌باشد، تحرک اجتماعی صعودی را برای صاحبان ثروت مهیا می‌کند.

- تعارض فرهنگی، گاهی ناشی از علل درونی است و به نوآوری‌ها و

فعالیت‌های اعضای جهان اجتماعی بازمی‌گردد.

- در جوامع سکولار و دنیوی، امکان رأی دادن به قوانین الهی وجود ندارد.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۸۹ تا ۹۱)

۴۶- گزینه «۱»

(کنکور سراسری ۱۴۰۰)

در جوامع فئودالی غربی، موقعیت اجتماعی افراد به رابطه آن‌ها با زمین

بستگی داشت. برخی ارباب و گروهی رعیت بودند. در این جوامع، طبقه‌ای از

مردم عادی هم وجود داشت که نه اشراف بود نه رعیت. به همین دلیل از آن‌ها به طبقه سوم یاد می‌شد. این طبقه هویت منفی و پست داشت و از نظر قانونی و اجتماعی از هیچ اهمیت و اعتباری برخوردار نبود؛ ولی به علت فواید و کارکردهایی که داشت، تحمل می‌شد.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه ۸۸)

۴۷- گزینه «۳»

(فاطمه صفری)

- قدرت اجتماعی هنگامی پیدا می‌شود که انسان برای رسیدن به اهداف خود بتواند بر اراده دیگران تأثیر بگذارد و اراده و کار ارادی آنان را به خدمت بگیرد.

- نظام فرهنگی عقاید، ارزش‌ها و اصول حاکم بر نظام سیاسی را تعیین می‌کند و اگر عملکرد نظام سیاسی در جهت عقاید و ارزش‌های فرهنگی جامعه باشد، نظام فرهنگی اقتدار نظام سیاسی را نیز تأمین می‌کند؛ اما اگر نظام سیاسی به دلایل داخلی و یا تحت تأثیر و فشار عوامل خارجی، از اصول و ارزش‌های فرهنگی خود عدول کند، نظام فرهنگی اقتدار نظام سیاسی را کاهش می‌دهد. نظام سیاسی نیز اگر به ارزش‌های فرهنگی جامعه وفادار بماند، با استفاده از مدیریت سیاسی خود، به بسط و توسعه فرهنگ کمک می‌کند و اگر از ارزش‌ها و آرمان‌های فرهنگی دور شود زمینه تعارضات، تزلزل و بحران‌های فرهنگی و هویتی را پدید می‌آورد.

- قدرتی که بدون استفاده از تهدید و با رضایت طرف مقابل به دست می‌آید، دارای مقبولیت است و قدرتی که با مقبولیت همراه باشد و به صورت رسمی پذیرفته شده باشد، اقتدار نامیده می‌شود.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۱۲۴، ۱۲۶ و ۱۲۸)

۴۸- گزینه «۳»

(آزیتا بیرقی)

علت جنگ اقتصادی تمام عیار علیه کشور ما از سوی غرب ← غرب پاشنه آشیل ایران اسلامی را اقتصاد می‌داند.

اساس شکل‌گیری هویت جهان غرب ← اقتصاد

علت حذف فیزیکی اعراب مسلمان و آواره کردن آن‌ها از سوی رژیم صهیونیستی ← تغییر ترکیب جمعیتی

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۱۳۷، ۱۴۰ و ۱۴۱)



۴۹- گزینه «۲»

(سمیه محمدی مصیری)

- زمانی که یک جامعه مبهوت و مقهور جهان اجتماعی دیگر شود و حالت فعال و خلاق خود را در گزینش عناصر فرهنگی دیگر از دست بدهد، دچار خودباختگی فرهنگی شده است.

- غربزدگی جوامع غیرغربی مهمترین مانع تعامل آن‌ها با جهان غرب است.

- جوامع مختلف، با ایمان به عقاید و ارزش‌های حقیقی، آن‌ها را به قلمرو

آرامی خود وارد می‌کنند و اگر هنجارها و اعمال خود را نیز براساس این

عقاید و ارزش‌ها سامان دهند، آن‌ها را به قلمرو واقعی وارد نموده‌اند.

(جامعه‌شناسی (۱)، ترکیبی، صفحه‌های ۵۷، ۹۸ و ۹۹)

۵۰- گزینه «۴»

(صبیه مصبی)

(الف) انقلاب‌ها از مهم‌ترین تحولات در هر جهان اجتماعی محسوب می‌شوند.

(ب) هویت فرهنگی هر جامعه بر مدار عقاید و ارزش‌های اجتماعی کلان آن

شکل می‌گیرد.

(ج) با تشکیل اتحاد جماهیر شوروی، مزرعه‌داری دولتی و اشتراکی، به عنوان

دو شیوه پیشبرد اقتصاد کشاورزی، رایج شد.

(د) ارسطو، حکومتی را که در آن اکثریت مردم براساس حقیقت و فضیلت

حضور و فعالیت دارند، جمهوری (پولیتی) می‌خواند.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۱۰۷، ۱۲۰ و ۱۲۱)

جامعه‌شناسی (۲)

۵۱- گزینه «۴»

(زینب آذری)

- بین دو بخش جهان انسانی (یعنی جهان ذهنی و فرهنگی) تناسب و

هماهنگی وجود دارد؛ هر فرهنگی نوع خاصی از عقاید و خصوصیات ذهنی را

در افراد به وجود می‌آورد و به همان نوع از عقاید و خصوصیات اجازه بروز

می‌دهد و هر نوع عقیده و اندیشه‌ای نیز فرهنگ متناسب با خود را

جست‌وجو می‌کند؛ بنابراین این ارتباط دوسویه است.

- در دیدگاه اول در ارتباط با تعامل جهان‌های ذهنی، فرهنگی و طبیعی،

بیان می‌شود که: جهان تکوینی به جهان طبیعت محدود است و جهان

طبیعت از جهان ذهنی و فرهنگی مهم‌تر است. طوری که ذهن افراد و

فرهنگ هم تابع طبیعت است و هویتی طبیعی و صرفاً مادی دارند و علوم

مربوط به آن‌ها نظیر علوم طبیعی است. طرفداران این دیدگاه هیچ تفاوتی

بین علوم طبیعی و علوم انسانی قائل نیستند؛ در این رویکرد، نادیده گرفتن

تفاوت علوم انسانی با علوم طبیعی ظرفیت‌ها و قابلیت‌هایی را از علوم انسانی

و علوم اجتماعی سلب می‌کند.

- در صورتی که فرهنگ جهانی به ارزش جهان‌شمول عدالت پایبند باشد،

می‌توان از قطبی شدن جهان، بهره‌کشی ظالمانه برخی انسان‌ها و جوامع از

برخی دیگر و در نتیجه، پایمال شدن حقوق انسان‌ها جلوگیری کرد.

هم‌چنین می‌توان از تفرقه بین جوامع و تباه شدن منابع و امکانات بشر

پیشگیری کرد. فرهنگ جهانی باید در لایه‌های مختلف خود به این ارزش

معتقد و پایبند باشد.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ جهانی، صفحه‌های ۵، ۷ و ۱۵)

۵۲- گزینه «۳»

(ریحانه امینی)

جدول کامل شده به شرح زیر است:

روشنگری		
پیامد	ویژگی	دوره زمانی
دنیسم	عقل‌گرایی، نفی وحی	هفدهم و هجدهم
دانش‌ابزاری	حس‌گرایی، نفی عقل و وحی	نوزدهم و بیستم
بحران معرفتی	افول تجربه‌گرایی، نفی تجربه، نفی عقل و وحی	پایان قرن بیستم

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه ۴۳)

۵۳- گزینه «۲»

(امیرمهری افشار)

بررسی گزینه‌ها:

گزینه «۱»: غلط (قدرت‌های استعماری، جغرافیای سیاسی جدیدی را برای

دیگر فرهنگ‌ها به‌وجود آوردند). - غلط (هویت مناطق درون امپراتوری

عثمانی، هویتی اسلامی بود و ویژگی‌های قومی، نژادی و تاریخی آن‌ها ذیل

فرهنگ اسلامی تعریف می‌شد).



گزینه «۲»: صحیح - صحیح

گزینه «۳»: غلط (در هویت‌سازی‌های جدید، ابعاد نژادی و قومی این مناطق با کاوش‌های باستان‌شناسان برجسته می‌شود و اسلام به‌عنوان یک عنصر هویت‌بخش به فراموشی سپرده می‌شود). - صحیح

گزینه «۴»: صحیح - غلط (همزمان با فروپاشی عثمانی، کشورهای جدید تأسیس شدند).

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه ۶۷)

۵۴- گزینه «۲»

(فاطمه صفری)

بررسی گزینه‌ها:

گزینه «۱»: نادرست (این چالش مقطعی بود). - درست

گزینه «۲»: درست - نادرست (براساس اصطلاح مرکز و پیرامون جوامع غربی، چالش‌های درونی خود را از طریق بهره‌کشی از کشورهای غیرغربی حل می‌کنند).

گزینه «۳»: نادرست (چالش جهان دوقطبی چالشی مقطعی و درون فرهنگی بود). - درست

گزینه «۴»: نادرست (مارکس در چارچوب همان بنیان‌های فرهنگ غرب به حل چالش‌های جامعه خود می‌پرداخت). - نادرست (اصطلاح استعمارزده و استعمارگر را کسانی به کار می‌برند که به ابعاد فرهنگی چالش و نزاع بین کشورهای غنی و فقیر نیز توجه دارند).

(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه‌های ۸۱، ۸۸ و ۸۹)

۵۵- گزینه «۱»

(کوثر شاه‌مسینی)

- با گسترش زندگی مدرن در جهان، انواع آسیب‌های زیست‌محیطی نیز به سرعت گسترش یافتند.

- بحران زیست‌محیطی، ابتدا در حوزه رابطه انسان با طبیعت قرار داشت، ولی به تدریج به روابط انسان‌ها و جوامع با یکدیگر نیز سرایت کرد و به آسیب‌های

اجتماعی، اقتصادی و سیاسی همچون مهاجرت، حاشیه‌نشینی، بیکاری، فقر و اختلافات سیاسی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای منجر شد. به منظور چاره‌اندیشی برای این آسیب‌ها، همایش‌های بین‌المللی متعددی درباره بحران زیست‌محیطی برگزار شده است.

- انسان مدرن به دلیل نگاه دنیوی، نگاه دینی و معنوی به طبیعت را کودکانه می‌پندارد و تصرف در طبیعت را تنها با فنون و روش‌های تجربی انجام می‌دهد.

(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه‌های ۹۵ و ۹۶)

۵۶- گزینه «۲»

(امیرمهری افشار)

بررسی عبارت نادرست:

- امام خمینی (ره) انقلاب را هنگامی آغاز کرد که شاه تحت حمایت دولت‌های غربی بود و مأموریت حفظ امنیت منطقه را برعهده داشت. روشنفکران چپ نیز از صحنه رقابت‌های سیاسی داخلی کشور حذف شده بودند.
- امام خمینی (ره) به‌عنوان یک مرجع دینی، مردم و عالمان را از موضع مقاومت منفی به فعالیت رقابت‌آمیز بازگرداند.

(جامعه‌شناسی (۲)، پیداری اسلامی و جهان پرپر، صفحه‌های ۱۱۸ و ۱۲۰)

۵۷- گزینه «۱»

(آریتا بیرقی)

الف) اصلاح رفتار حاکمان یا اصلاح ساختار حکومت

ب) انقلاب اجتماعی

ج) جنبش عدالتخانه، انقلاب مشروطه

د) مقاومت منفی

(جامعه‌شناسی (۲)، پیداری اسلامی و جهان پرپر، صفحه ۱۱۸)

۵۸- گزینه «۲»

(علیرضا هیدری)

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: انقلاب‌های آزادی‌بخش با جنبش‌های چریکی شکل می‌گیرند.

گزینه «۳»: پس از انقلاب‌های آزادی‌بخش، استعمار در چهره استعمار نو باز می‌گردد.



روان‌شناسی

۶۱- گزینه ۲»

(همیدرضا تولگی)

فقط در گزینه ۲» هدف روان‌شناسی به‌درستی ذکر شده است. گزینه‌های ۱» و ۴» سعی در تبیین یا بیان دلیل دارند. گزینه ۳» نیز پدیده‌ای را توصیف کرده است، نه تبیین.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی: تعریف و روش مورد مطالعه، صفحه ۱۴)

۶۲- گزینه ۲»

(کتاب آبی پیمان‌های)

از آنجا که وراثت نقش تعیین‌کننده‌ای در ریش یا آمادگی زیستی افراد برای تغییرات دارد، در بسیاری موارد، با توجه به بررسی خصوصیات افراد فامیل نزدیک و دور می‌توان احتمال وقوع برخی از ویژگی‌های رفتاری و شناختی را در دامنه‌های سنی خاص پیش‌بینی کرد.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه ۴۱)

۶۳- گزینه ۲»

(مهوری ماهری)

اصرار بر خواسته و ابراز محبت (بوسیدن مادر) هر دو مربوط به رشد هیجانی هستند. همچنین سلام دادن به همسالان مصداق ارتباط با همسالان، یعنی رشد اجتماعی بوده و رعایت حقوق دیگران و جلو نزدن در صف، مصداق رشد اخلاقی است.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۳۷ و ۳۹)

۶۴- گزینه ۲»

(کتاب آبی پیمان‌های)

عدم واکنش، دلالت بر «از دست دادن محرک هدف» دارد، واکنش دقیق در پنالته دوم، اشاره به «اصابت» می‌کند و اشتباه پنالته سوم که به دلیل فریب نگاه زننده توپ بوده است، دلالت بر «هشدار کاذب» دارد.

(روان‌شناسی، احساس، توفه، ادرارک، صفحه ۷۷)

گزینه ۴»: این انقلاب‌ها نتوانستند جایگاه کشورشان را از حاشیه قطب‌های سیاسی و اقتصادی جهان غرب خارج کنند.

(پایامه‌شناسی (۲)، بیداری اسلامی و جهان پیر، صفحه‌های ۱۲۱ و ۱۲۲)

۵۹- گزینه ۳»

(سیدآرش مرتضائی‌فر)

- از نظر مالتوس جمعیت‌شناس انگلیسی، کسانی که در فقر متولد می‌شوند حق حیات ندارند.

- هویت ایرانی قبل از ظهور اسلام هویتی توحیدی، دینی و در مواردی آمیخته با اساطیر بود.

- زندگی مشترک بدون ازدواج نشانه‌ای از بحران هویت در نهاد خانواده است.

- حاکمیت منورالفکران غرب‌گرا در ایران در نهایت به استبداد استعماری رضاخان ختم شد.

(پایامه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۹۶ و ۱۰۹)

(پایامه‌شناسی (۲)، ترکیبی، صفحه‌های ۷۷ و ۱۱۸)

۶۰- گزینه ۲»

(سیدآرش مرتضائی‌فر)

- در اندیشه فارابی، جوامعی که ارزش‌ها و آرمان‌های آنها عقلانی و الهی نباشد، جوامع جاهلی هستند.

- از نظر هانتینگتون، رقابت‌ها و درگیری‌ها بین فرهنگ‌ها و تمدن‌ها رخ خواهد داد و در این میان فرهنگ اسلامی بزرگترین تهدید برای غرب است.

- امام خمینی در پیامی به گورباچف (آخرین صدر هیئت رئیسه اتحاد جماهیر شوروی) عنوان کرده بود که «با مادی‌گرایی نمی‌توان بشریت را از بحران به در آورد».

(پایامه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه ۱۲۹)

(پایامه‌شناسی (۲)، ترکیبی، صفحه‌های ۸۶ و ۱۳۲)



۶۵- گزینه «۴»

(مهری ماهری)

زمانی که افراد به صورت تجمیعی و پشت سرهم مطالب را به خاطر می سپارند، بخشی از اطلاعات به سبب تداخل اطلاعات فراموش می شوند؛ مانند عرفان که مطالب شب امتحانی را فراموش می کند. همچنین زمانی که مطلبی را دوست نداشته باشیم، سخت تر آن را به خاطر می سپاریم؛ مانند مرجان که دوست نداشت کتاب خود را به دوستش امانت دهد و به همین خاطر فراموش کرد کتاب را با خود بیاورد. همین طور بخشی از فراموشی به سبب رمزگردانی نکردن اطلاعات است؛ مانند ستاره که رنگ مانتوی معلم خود را رمزگردانی نکرده بود و به همین خاطر بعد از مدرسه نتوانست رنگ آن را به خاطر بیاورد. در نهایت گذشت زمان باعث فراموشی اطلاعات می شود؛ مانند امیر که پس از گذشت چند سال نام هم کلاسی اش را نمی توانست یادآوری کند.

(روان شناسی، حافظه و علل فراموشی، صفحه های ۱۰۰ تا ۱۰۴)

۶۶- گزینه «۱»

(مهمرب میببی)

دانش آموز یک مسئله کلامی را مجدداً و این بار به صورت تصویری مطرح کرده است و به عبارتی مسئله را بازنمایی کرده است.

(روان شناسی، تفکر (۱) حل مسئله، صفحه ۱۲۲)

۶۷- گزینه «۳»

(مهمرب میببی)

گزینه «۱»: اینکه فقط یک راه حل ما را به هدف برساند، ویژگی حل مسئله است. - چون نازنین با اولویت های مختلف روبه رو است، با تصمیم گیری مواجه است.

گزینه «۲»: ارزیابی اولویت های مختلف و انتخاب مناسب ترین آن ها مربوط به تصمیم گیری است. بنابراین هر دو عبارت این گزینه مربوط به تصمیم گیری است.

گزینه «۳»: مواجه شدن معلم با اولویت ها گوناگون، یک موقعیت تصمیم گیری است. - انتخاب راه حل منتهی به حل مسئله، مربوط به حل مسئله است.

گزینه «۴»: در هر دو عبارت افراد با اولویت هایی روبه رو هستند که از بین آن ها باید مناسب ترین را انتخاب کنند که اشاره به امر تصمیم گیری دارد.

(روان شناسی، تفکر (۲) تصمیم گیری، صفحه های ۱۳۷ و ۱۳۸)

۶۸- گزینه «۴»

(مهمرب میببی)

عبارت اول: در این عبارت اعتماد به نفس پایین مانع تصمیم گیری فرد شده است. - کوچک شمردن خود

عبارت دوم: در این عبارت فرد از اطلاعاتی که دیدگاهش (بدشانشی روز جمعه) را تأیید کند، استفاده می کند. - سوگیری تأیید

عبارت سوم: در این عبارت فرد به قضاوت ها و روش های تصمیم گیری خود اعتماد بیش از حد دارد - اعتماد افراطی

عبارت چهارم: در این عبارت شخص نتوانسته هیجانات و عواطف (عصبانی بودن) خود را کنترل کند. - کنترل نکردن هیجانات

(روان شناسی، تفکر (۲) تصمیم گیری، صفحه های ۱۴۹ و ۱۵۰)

۶۹- گزینه «۴»

(موسا عفتی)

هدف معین، فرد را از بیراهه رفتن و اتلاف منابع انرژی خود مصون می دارد. اگر اهدافمان را خیلی دقیق و واضح بیان نکنیم، ممکن است از مسیر دستیابی به هدفمان منحرف شویم و به بیراهه برویم.

(روان شناسی، انگیزه و کنش، صفحه های ۱۶۸ و ۱۶۹)

۷۰- گزینه «۱»

(عمیدرضا توکلی)

در این گزینه، مقابله به برطرف کردن یا به حداقل رساندن عامل فشار روانی منجر می شود.

در سایر گزینه ها، مقابله ها سازگارانه نیستند.

(روان شناسی، روان شناسی سلامت، صفحه های ۱۹۸ و ۱۹۹)



عربی زبان قرآن (۱)

۷۱- گزینه «۱»

(هسین رضایی)

«اللَّهُ الَّذِي»: خدا همان کسی است که (رد گزینه ۲) / «يُرْسِلُ»: می‌فرستد، روانه می‌کند / «الرَّيَّاحُ»: بادها (رد گزینه ۴) / «تُثِيرُ» (فعل مؤنث است و به «الرَّيَّاحُ» (بادها) برمی‌گردد، نه «الله»): بر می‌انگیزند (رد گزینه‌های ۳ و ۴)، «تا ... حرکت دهند» در گزینه «۲» نادرست است. / «سحاباً»: ابری (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «يَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ»: آن را در آسمان می‌گستراند (رد گزینه‌های ۲ و ۴)

(ترجمه)

۷۲- گزینه «۱»

(کتاب آبی پیمانه‌ای - کنکور سراسری ۹۸)

«یتراکم»: متراکم می‌شود (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «بخار الماء»: بخار آب (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «فی السماء»: در آسمان (رد گزینه ۲) / «یتشکل منه الغیم»: از آن ابر تشکیل می‌گردد، به وجود می‌آید (رد سایر گزینه‌ها؛ دقت کنید که «الغیم» مفرد است که در گزینه‌های ۳ و ۴ به صورت جمع ترجمه شده و نادرست است.) / «الَّذِي»: در اینجا به معنی «که» است (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «يُعَذِّدُ (فعل مجهول)»: به شمار می‌آید (رد سایر گزینه‌ها) / «منشأ المطر»: منشأ باران (رد گزینه ۳)

(ترجمه)

۷۳- گزینه «۲»

(هسین رضایی)

«لِبَعْضِ الطَّيِّورِ الْمَائِيَّةِ غَدَّةٌ»: برخی پرندگان آبی غده‌ای دارند (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «زيتاً خاصاً»: (موصوف و صفت نکره) روغن خاصی (رد گزینه ۳) / «تَنْشُرُهُ»: در حالی که آن را پخش می‌کنند (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «لا يَتَأَثَّرُ بالماءِ»: تحت تأثیر آب قرار نمی‌گیرد (رد گزینه‌های ۳ و ۴)

(ترجمه)

۷۴- گزینه «۱»

(مصطفی کرمی‌نیا - رفسنجان)

بررسی گزینه‌های نادرست:

گزینه «۲»: «حتی تبليغ»: تا بررسی (حتی + فعل مضارع: تا + مضارع التزامی) گزینه «۳»: «تُصَدَّرُ» فعل مضارع معلوم است و به شکل «صادر می‌کند» ترجمه می‌شود. گزینه «۴»: «معكم»: با شما / «عن»: درباره

(ترجمه)

۷۵- گزینه «۱»

(محمود بادبرین - یاسوج)

صورت سؤال می‌پرسد چند عبارت از نظر مفهوم با عبارت داده شده تناسب دارد. فقط مورد دوم با عبارت صورت سؤال (روزگار دو روز است؛ روزی به نفع تو و روزی به ضرر تو) متناسب است.

(مفهومی)

۷۶- گزینه «۲»

(مرتضی کاظم شیروزی)

«يَتَعَايَشُوا» فعل مضارع باب تفاعل است و صحیح آن «يَتَعَايَشُوا» است، همچنین «تَعَايَشًا» مصدر باب تفاعل است و صحیح آن «تَعَايَشًا» است. (ترجمه عبارت: همه مردم باید با یکدیگر همزیستی مسالمت‌آمیز داشته باشند.)

(فیض حرکات)

۷۷- گزینه «۲»

(حمیدرضا قانرازمینی - اصفهان)

در گزینه «۱»، به جای اسم جمع مکسر «إخوان» باید اسم مثنی مذکر «أَخَوَانِ» بیاید. در گزینه «۳»، به جای عدد اصلی «السَّبعة» باید عدد ترتیبی «السَّابِعة» بیاید. در گزینه «۴»، به جای عدد اصلی دو «اثنان» باید عدد اصلی یک «واحد» بیاید؛ زیرا «بستان» اسم مفرد مذکر است.



تکات مهم درسی:

۱) عدد اصلی «۱ و ۲» پس از معدود می‌آیند و نقش صفت را برای اسم قبل از خود دارند و در جنس (مذکر یا مؤنث بودن) از اسم قبل از خود پیروی می‌کنند. مثال: «بستان واحد»، «أخوان اثنان».

۲) ساعت در زبان عربی به صورت عدد ترتیبی مؤنث بر وزن «الفاعلة» می‌آید.

(عذر)

۷۸- گزینه ۳»

(روح الله گلشن)

«انفتحت» فعل ماضی از باب «انفعال» است که سه حرف اصلی آن «ف ت ح» می‌باشد؛ بنابراین حرف «نون» در آن زائد و اضافی است. سه حرف اصلی سایر فعل‌های مورد نظر به ترتیب: «ن ظ ر»، «ن ق ل» و «ن ش ر» است که «نون» از حروف اصلی آن‌ها به‌شمار می‌آید و زائد نیست.

(قواعد فعل)

۷۹- گزینه ۴»

(مسین رضایی)

«الكتب» مبتدا و «ما» خبر و مبنی است. (ضمیرها و اسم‌های موصول مبنی محسوب می‌شوند).
در سایر گزینه‌ها به ترتیب: «مُحْتَرَمُونَ، الغنى و نبات» خبر هستند که همگی اسم معرب هستند.

(انواع هملات)

۸۰- گزینه ۱»

(مرتضی کاظم شیروری)

اسم ظاهر بعد از حروف جرّ مجرور است. علامت جرّ (ـِ) در مفرد، «ین» در جمع مذکر سالم و «ـِین» در اسم مثنی است؛ مانند (الْكَاتِبِ، كَاتِبٍ، الْكَاتِبِينَ، الْكَاتِبِينَ). توجه داشته باشید که در گزینه «۱»، «الدّافین» جمع مکسر است نه جمع مذکر سالم، بنابراین با آمدن حرف جرّ بر سر آن، با علامت کسره مجرور می‌شود (صحیح: الدّافین)

(قواعد اسم)

عربی زبان قرآن (۲)

۸۱- گزینه ۴»

(همیدرضا قانرازمینی - اصفهان)

«صَعَرَتْ خَذَكُ»: رویت را با تکبّر برگرداندی (رد گزینه‌های «۲ و ۳»)
«للناس»: از مردم / «أَسْخَطْتُ»: خشمگین کردی (رد سایر گزینه‌ها) / «الرّبّ الرّحمن»: پروردگار بخشاینده (رد گزینه‌های «۱ و ۲») / «کما»: همانطور، همانگونه / «یشاء الشّیطان»: شیطان می‌خواهد (رد گزینه‌های «۱ و ۳») / «فهل تتوقع»: پس آیا توقع داری / «أنْ تُعمر الحکمة»: که حکمت ماندگار شود (بماند) / «فی قلبک»: در قلبت

تکات مهم درسی:

در ترجمه افعال، به صیغه و نوع فعل دقت کنیم.

به تفاوت معنایی کلمات مشابه دقت کنیم.

مثال: «الرّحمن: بخشاینده»، «الرّحیم: مهربان»

(ترجمه)

۸۲- گزینه ۴»

(همیدرضا قانرازمینی - اصفهان)

در گزینه «۱» کلمه «أقدام می‌کند» به صورت زائد و اضافی آمده است و معادل عربی آن در متن نیامده است (رد گزینه «۱») / «عُشّاً: لانه‌ای، یک لانه (رد گزینه «۱») / «یصنع»: می‌سازد (رد گزینه «۱») / «عُضْوین»: دو عضوی، عضوایی (رد گزینه‌های «۱ و ۳») / «جُدوع»: تنه‌ها (رد گزینه «۲») / «جُدوع الأشجار»: تنه‌های درختان (رد گزینه «۳»)

تکات مهم درسی:

۱) در ترجمه اسامی به مفرد، مثنی یا جمع بودن آن‌ها دقت کنیم.

۲) در ترجمه اسم مفرد نکره، معمولاً «ی» نکره را پس از اسم می‌آوریم یا کلمه «یک» را پیش از اسم می‌آوریم. مثال: «عُشّاً: لانه‌ای، یک لانه»

۳) معمولاً هرگاه اسمی به صورت نکره بیاید و همان اسم دوباره همراه «ال» تکرار شود، می‌توان الف و لامش را «این» یا «آن» ترجمه کرد.

(ترجمه)



۸۳- گزینه «۴»

(کتاب آبی پیمانه‌ای - کنگور خارج از کشور ۹۹)

بررسی گزینه‌های نادرست:

گزینه «۱»: «فقط» اضافی است. «حتی ننتفع بعلمهم» به معنی «تا از علم آنان سود ببریم» است نه «سود برده باشیم».

گزینه «۲»: «لی زمیل» به معنی «دوستی دارم» می‌باشد نه «دوست من».

گزینه «۳»: «فکر» که فعل شرط است به معنی «فکر کند (فکر کرد)» است نه «فکر کرده باشد». هم‌چنین «ابتعد عن...» که جواب شرط است به معنی «از... دور می‌شود (از... دور شد)» است نه «دور شده است».

(ترجمه)

۸۴- گزینه «۱»

(کتاب آبی پیمانه‌ای - کنگور سراسری ۱۴۰۲ - نوبت اول دی‌ماه)

در گزینه «۱»، «یسمخ» (باتوجه به حرکت‌گذاری آن) فعلی مجهول است و باید مجهول و همراه با «شد / می‌شود» ترجمه گردد. هم‌چنین «خرانة» مفرد است و نباید جمع ترجمه شود. ترجمه صحیح عبارت گزینه «۱»: «دوستم از کسانی بود که به آن‌ها اجازه ورود به گنجینه کتاب داده می‌شود (می‌شد)».

(ترجمه)

۸۵- گزینه «۳»

(سیره مکیا مؤمنی)

«بهترین بندگان خدا»: خیر عباد الله (رد سایر گزینه‌ها) / «به دیگران سود می‌رسانند»: یتنفعون الآخرین (رد سایر گزینه‌ها)

(ترجمه)

۸۶- گزینه «۴»

(مبیر بگلری)

بررسی گزینه‌ها:

گزینه «۱»: الممر: اسم مکان / الدنيا: اسم تفضیل

گزینه «۲»: مساجد: اسم مکان / خیر: اسم تفضیل

گزینه «۳»: المدارس: اسم مکان / أحسن: اسم تفضیل

گزینه «۴»: أحق: اسم تفضیل / المنطقة: بر وزن مفعلة است و اسم مکان نیست.

(قواعد اسم)

۸۷- گزینه «۱»

(مصطفی قریمی فرد)

«شاهدت»: فعل ثلاثی مزید از باب مفاعلة است؛ اسم فاعل از ثلاثی مزید بر وزن «مُعْ - عَ»: مُشَاهِد ساخته می‌شود.

* مراقب باشید:

اگر فعل مجرد باشد، اسم فاعل آن بر وزن «فاعل» و اسم مفعول آن بر وزن «مفعول» ساخته می‌شود مثل: «یصنع» در گزینه «۲» و «خلقنا» در گزینه «۳».

اگر فعل مزید باشد، اسم فاعل آن بر وزن «مُعْ - عَ» و اسم مفعول آن بر وزن «مُعْ - عَ» ساخته می‌شود مثل: «شاهدت» در گزینه «۱» و «شَرَفَ» در گزینه «۴».

(قواعد اسم)

۸۸- گزینه «۱»

(مبیر بگلری)

در گزینه «۱» اسلوب شرط وجود ندارد (ترجمه عبارت: کسی که به شغل یا صنعتی اشتغال دارد و فساد را دوست ندارد، دوست من است).

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: «إذا» أدات / «مَلَكَ» فعل شرط و «هَلَكَ» جواب شرط است.

گزینه «۳»: «مَنْ» أدات / «زَرَعَ» فعل شرط و «حَصَدَ» جواب شرط است.

گزینه «۴»: «إذا» أدات / «قَدَرَ» فعل شرط و «انْتَقَمَ» جواب شرط است.

(انواع یملات)

۸۹- گزینه «۳»

(بعروز هیدر بکی)

تشریح گزینه‌ها:

گزینه «۱»: هر چند فعل «شاهدت» بعد از اسم نكرة «یوم» آمده، اما چون آن را توصیف نکرده، پس جمله وصفیه نیست. «الشديدة» نیز صفت از نوع اسم برای «الأمطار» است. ترجمه: «روز بعد، مردم بارش باران‌های شدید را دیدند.»



منطق

۹۱- گزینهٔ «۳»

(پواد پاکدل - فراسان شمالی)

اغلب آگهی‌های تجاری نوعی استدلال هستند (نه صرفاً مغالطه) که سعی دارند با تشویق و ترغیب مخاطبان محصولاتشان را به فروش برسانند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: امروزه با پررنگ شدن نقش رسانه‌ها در زندگی انسان‌ها، بیش از گذشته به منطق و ضرورت تفکر منطقی نیازمندیم.

گزینهٔ «۲»: منطق برای انسان نقش ترمز را ایفا می‌کند و انسان با رعایت قواعد منطقی می‌تواند از لغزش‌ها و خطاهای بی‌شمار ذهن بکاهد.

گزینهٔ «۴»: علم منطق گاهی به ما می‌گوید: این‌گونه چیزی را تعریف کن (روش ایجابی) و گاهی هم می‌گوید: این‌گونه تعریف نکن (روش سلبی). درست مانند علم پزشکی که گاهی می‌گوید فلان دارو را بخور (ایجابی) و گاهی می‌گوید فلان غذا را نخور (سلبی).

(منطق، منطق، ترازوی اندیشه، صفحه‌های ۴ و ۵)

۹۲- گزینهٔ «۴»

(هسین آفوندری راهنمایی)

توجه: زمینهٔ مغالطهٔ توسل به معنای ظاهری برابر با مغالطهٔ توسل به معنای ظاهری نیست.

یک عبارت می‌تواند زمینهٔ مغالطه شود، اما هنوز مغالطه نباشد. گزینهٔ «۱» خود مغالطهٔ توسل به معنای ظاهری است، اما گزینهٔ «۴» به علت وجود عبارتی که دلالت التزامی آن منظور است (بی‌بخار ← ناتوان)، می‌تواند باعث این مغالطه شود.

(منطق، لفظ و معنا، صفحه‌های ۱۴ و ۱۵)

۹۳- گزینهٔ «۲»

(همیر سوریان)

تکتن: نسبت‌های چهارگانه در کتاب درسی فقط برای مفاهیم کلی تعریف شده‌اند. بنابراین مفاهیم جزئی هیچ نسبتی با دیگر مفاهیم ندارند.

به‌طور کلی هر مفهومی که دارای اقسام است، حتماً کلی است زیرا مفهوم جزئی یک مصداق کاملاً مشخص دارد و نمی‌تواند با مصادیق دیگری به عنوان اقسامش تطبیق داشته باشد و یک مفهوم کلی حتماً با اقسام خود رابطهٔ عموم و خصوص مطلق دارد.

گزینهٔ «۲»: «مذموم» صفت از نوع اسم برای «شخص» است. «لا یُحبُّ» نمی‌تواند جملهٔ وصفیه برای «شخص» باشد؛ چون «ف» ارتباط میان‌شان را قطع کرده است. ترجمه: «او شخصی نکوهیده است پس هیچ‌کس از نزدیکان ما او را دوست ندارد.»

گزینهٔ «۳»: «أشیاء» اسم نکره‌ای است که جملهٔ «کُنت بحاجة...» آن را وصف کرده است. ترجمه: «در اتاق به‌دنبال چیزهایی گشتم که بسیار به آن‌ها نیاز داشتم.»

گزینهٔ «۴»: «علیّاً» اسم معرفه (عَلَم) است پس «یمشی» جملهٔ وصفیه نیست. دقت کنید جملهٔ وصفیه اسم نکره را توضیح می‌دهد. «عالی» نیز صفت از نوع اسم برای «صوت» است. ترجمه: «علی را در خیابان دیدیم درحالی که راه می‌رفت و با صدایی بلند می‌خندید.»

(انواع هملاط)

۹۰- گزینهٔ «۲»

(امیرحسین شکوری)

سؤال دربارهٔ گزینه‌ای می‌پرسد که فعل «کان» در آن دلالت بر زمان ماضی نکند یا به عبارت دیگر، «کان» معنای «است» داشته باشد که این اتفاق در گزینهٔ «۲» افتاده است؛ «کان» در این جمله معنای «است» می‌دهد. ترجمهٔ جمله: دانش نوری است که بشر را از گذشته تا به امروز، به سوی خوبی هدایت می‌کند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: در این عبارت «کان» معنای «بود» دارد و مربوط به گذشته است. ترجمهٔ عبارت: پیامبر در کودکی بسیار به شما وابسته بود!

گزینهٔ «۳»: «کان» در این عبارت قبل از یک فعل مضارع آمده و معنای آن را تبدیل به ماضی استمراری کرده است پس دلالت بر ماضی دارد و نمی‌تواند پاسخ سؤال باشد. ترجمهٔ عبارت: مردم هدایای زیادی برای حاکم عادل شهر خود می‌آوردند!

گزینهٔ «۴»: «کان» در این عبارت نیز معنای «بود» دارد و دلالت بر گذشته می‌کند. ترجمهٔ عبارت: هدفِ آلفرد از اختراع دینامیت، کمک کردن به انسان بود!

(انواع هملاط)



تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ «۱»: درست است که یک مفهوم کلی همواره با اجزای خود رابطهٔ تباین دارد، ولی اگر مفهوم، جزئی باشد با اجزای خود هیچ رابطه‌ای نخواهد داشت. مثلاً «این درخت» با «برگ این درخت» رابطه‌ای ندارد.

گزینهٔ «۳»: مفاهیمی که هیچ مصداق فرضی ندارند، قطعاً کلی نیستند، زیرا برای مفاهیم کلی می‌توان مصداق متعدد «فرض» کرد. تنها برخی از مفاهیم جزئی که تک مصداقشان یک مصداق واقعی است، مصداق فرضی ندارند. پس این‌گونه مفاهیم، جزئی‌اند و طبق نکتهٔ بیان‌شده با هم هیچ رابطه‌ای ندارند.

گزینهٔ «۴»: وقتی دو مفهوم رابطه‌ای از نسبت‌های چهارگانه دارند، یعنی هر دو کلی‌اند. یک مفهوم کلی حتماً قابلیت داشتن بیش از یک مصداق (از جمله دو مصداق) را دارد.

(منطق، مفهوم و مصداق، صفحه‌های ۲۱ تا ۲۳)

۹۴- گزینهٔ «۲»

(هواد پاکدل - فراسان شمالی)

- تعریف «معلم: از ریشهٔ علم؛ کسی که در فرایند یادگیری و تعلیم و تربیت نقش حیاتی‌ای دارد.» یک تعریف ترکیبی است. (ترکیبی از تعریف لفظی و مفهومی).

- تعریف «پرستو: پرنده‌ای که پرواز می‌کند.» یک تعریف مفهومی است که از ویژگی عام و خاص استفاده کرده است.

- تعریف «انقلاب: از مشتقات قلب؛ تحول و تغییر کلی و بزرگ در شخص و اجتماع را گویند؛ مانند: انقلاب کبیر فرانسه و ...» یک تعریف ترکیبی است که به‌ترتیب از تعاریف لغوی و مفهومی و مصداقی شکل گرفته است.

(منطق، اقسام و شرایط تعریف، صفحه‌های ۳۰ تا ۳۲)

۹۵- گزینهٔ «۴»

(پرگل ریمی)

در استقرای تعمیمی، تک‌تک افراد جامعهٔ آماری را بررسی نمی‌کنیم و از نمونه‌های تصادفی استفاده می‌کنیم. بنابراین مبنای آن بر اساس تخمین بنا شده است.

در صورتی که از مقدمات جزئی به نتیجهٔ کلی‌تری برسیم که احتمال کذب آن وجود داشته باشد، استدلال را «استقرای تعمیمی» می‌نامیم.

(منطق، اقسام استدلال استقرایی، صفحه‌های ۴۵ تا ۴۷)

۹۶- گزینهٔ «۲»

(عمید سوریان)

کل این بیت چنین استاندارد می‌شود: «آن‌ها به آواز گویندهٔ «ما بنده‌ایم، به دل مهربان و پرستنده‌ایم» بودند». پس کل بیت یک قضیهٔ حملی موجه است (رد گزینهٔ «۱»). از طرفی اهمال سور صورت گرفته است و طبق قاعده فقط در صورتی سور کلی می‌گیرد که در مقام بیان قاعده و قانونی باشد یا دلیل محتوایی داشته باشیم که کلیه است. در اینجا هیچ‌کدام نیست، بنابراین سور را جزئی در نظر می‌گیریم. پس قضیه، موجههٔ جزئیه است. (منظور از اهمال سور بیان نشدن سور قضیه است که قاعده‌اش را توضیح دادیم. این قاعده در بخش ستاره‌دار کتاب آمده است، اما از آنجا که ممکن است در کنکور به قضایایی برخورد کنید که سورشان بیان نشده است در اینجا توضیح داده شد).

درون محمول این قضیه دو یا سه قضیهٔ حملی دیگر نیز وجود دارد (ما بنده‌ایم، ما به دل مهربان و پرستنده‌ایم). چون موضوع این قضایا جمع است، باید ببینیم محمول بر تک‌تک افراد موضوع حمل می‌شود که در این صورت محصوره است یا بر جمع آنان حمل می‌شود که در این صورت شخصی خواهد بود. در اینجا بنده بودن یا مهربان و پرستنده بودن بر تک‌تک اعضای موضوع حمل می‌شود (یعنی هر یک از ما به‌تنهایی بنده و مهربان و پرستنده هستیم)، پس قضیه محصوره خواهد بود (رد گزینهٔ «۳»). با توجه به قاعدهٔ اهمال سوری که توضیح دادیم، در اینجا هم باید سور را جزئی در نظر گرفت، بنابراین همهٔ قضایای درون این بیت نیز موجههٔ جزئیه هستند. (رد گزینهٔ «۴»)

(منطق، قضیهٔ حملی، صفحه‌های ۵۶ تا ۵۹)

۹۷- گزینهٔ «۴»

(مهمد رضایی‌بغا)

کیفیت قضیه یعنی همان رابطه یا نسبت آن، در عکس مستوی تغییری نمی‌کند. (نادرستی گزینهٔ «۱») پس از عکس کردن قضیه، اگر از آن تداخل هم بگیریم، باز هم کیفیت قضیه عوض نمی‌شود. (نادرستی گزینهٔ «۲») وقتی متضاد قضیه‌ای را به‌دست می‌آوریم، کیفیت آن را تغییر می‌دهیم اما بعد از نقیض گرفتن از قضیهٔ به‌دست‌آمده، مجدداً همان کیفیت اولیه را خواهیم داشت. (نادرستی گزینهٔ «۳») در تضاد، کیفیت قضیه تغییر می‌کند و اگر از قضیهٔ به‌دست‌آمده تداخل بگیریم، کیفیت قضیه نسبت به قضیهٔ اولیه متفاوت خواهد ماند. (تأیید گزینهٔ «۴»)

(منطق، اقسام قضایا، صفحه‌های ۶۳ تا ۶۸)



۹۸- گزینه «۳»

(معمد اقتضای)

زمانی یک مقدمه دارای موضوع و محمول با علامت مثبت است که «سالبه کلیه» باشد.

از آن جایی که شرط اول اعتبار قیاس اقترانی این است که دو مقدمه نباید سالبه باشند، بنابراین مقدمه اول حتماً باید موجب باشد؛ پس علامت محمول مقدمه اول منفی است. از آن جایی که یکی از مقدمه‌ها موجب و دیگری سالبه است، پس حتماً نتیجه نیز سالبه است. یعنی محمول آن علامت مثبت دارد و براساس شرط سوم اعتبار قیاس، باید در مقدمه (دوم) همان علامتی را داشته باشد که در نتیجه داراست.

(منطق، قیاس اقترانی، صفحه‌های ۷۴ و ۷۷ تا ۷۹)

۹۹- گزینه «۱»

(کتاب آبی پیمانه‌ای)

اگر نتیجه قیاسی معتبر، موجب باشد، پس حتماً دو مقدمه آن موجب بوده‌اند، زیرا اگر یکی از مقدمات سالبه باشد، نتیجه هم به تبع از آن، سالبه خواهد شد. پس مقدمه دیگر هم موجب است و علامت محمول آن منفی خواهد بود. ثانیاً هیچ قیاس معتبری با دو مقدمه جزئی نداریم. اگر یکی از مقدمات قضیه جزئی باشد، پس مقدمه دیگر قضیه‌ای کلیه است و موضوع آن دارای علامت مثبت است. بنابراین علامت موضوع و محمول در این مقدمه با یکدیگر متفاوت است.

(منطق، قیاس اقترانی، صفحه‌های ۷۳ تا ۷۹)

۱۰۰- گزینه «۳»

(کتاب آبی پیمانه‌ای)

خودخواهی این فرد و ناراحتی او از تحقیر شدن در حضور دیگران باعث شده است که احساسات خودش را ملاک خوبی و بدی دیگران قرار دهد. پس مغالطه توسل به احساسات رخ داده است.

(منطق، سنهشگری در تفکر، صفحه‌های ۱۰۹ و ۱۱۰)

فلسفه یازدهم

۱۰۱- گزینه «۳»

(معمد رضایی‌بغا)

با توجه به این که دانش فلسفه به مسائل اساسی و بنیادین پیرامون اصل وجود و هستی، حقیقت جهان، طبیعت و انسان می‌پردازد، پس گزینه «۱» که مربوط به وضعیت طبقاتی انسان و امکان تغییر آن است در فلسفه علوم اجتماعی و گزینه «۲» که مربوط به حدود هستی‌شناختی جهان است و گزینه «۴» که مربوط به اصل علّیت است در حوزه هستی‌شناسی بررسی می‌شوند، بنابراین این پرسش‌ها، در حوزه ریشه یا شاخه‌های فلسفه قرار می‌گیرند. اما گزینه «۳» مربوط به دانش تاریخ است.

(فلسفه یازدهم، ترکیبی، صفحه‌های ۹ و ۱۳ تا ۱۶)

۱۰۲- گزینه «۴»

(هسین آفوندری راهنمایی)

پرسش شماره چهار دربارهٔ مبحث معرفت‌شناسی می‌پرسد و چون معرفت‌شناسی بخشی از ریشه فلسفه است، سؤالات این بخش از مسائل فلسفه مضاف بنیادی‌تر است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

پرسش اول در فلسفه علوم اجتماعی و پرسش دوم در فلسفه اخلاق و پرسش سوم در فلسفه تاریخ جای می‌گیرد.

نکته: سؤالات فلسفه مضاف و سؤالات ریشه فلسفه (معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی) همه فلسفی و اساسی هستند. اما سؤالات معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی نسبت به سؤالات فلسفه‌های مضاف، بنیادی‌تر و اساسی‌تراند.

(فلسفه یازدهم، ریشه و شافه‌های فلسفه، صفحه‌های ۱۲ تا ۱۴)

۱۰۳- گزینه «۱»

(کتاب آبی پیمانه‌ای)

افلاطون تمثیل غار را در کتاب جمهوری و به‌منظور نشان دادن این که فلسفه چگونه انسان را به سمت آزادی حقیقی هدایت می‌کند، بیان کرده است.

(فلسفه یازدهم، فلسفه و زندگی، صفحه ۲۳)



۱۰۴- گزینه «۱»

(فره‌ار قاسمی نژاد)

سقراط خطاب به حاضران در دادگاه گفت: «کسی که راه درست را یافت و آن را در پیش گرفت، هرگز نباید از خطر هراسی به دل راه دهد.»

(فلسفه یازدهم، زندگی بر اساس انریشه، صفحه ۳۱)

۱۰۵- گزینه «۳»

(عرفان ره‌رشنیا)

همه عبارات صحیح‌اند؛ به‌جز گزینه «۳»؛ بیان معادل در رفع ابهام از معنا و مفهوم معرفت راه‌گشاست، در حالی که توانایی کسب شناخت مرتبط با بحث امکان معرفت است.

(فلسفه یازدهم، امکان شناخت، صفحه‌های ۴۶ و ۴۷)

۱۰۶- گزینه «۱»

(علیرضا نصیری)

هر کس که به پاکی و تزکیه نفس بپردازد و در راه‌ها و مراحل عرفانی سیر و سلوک کند، قادر خواهد بود که به شهود عارفانه برسد و این مورد به افراد خاصی اختصاص ندارد. اما معرفت وحیانی که نوعی خاص از شهود قلبی است، فقط به پیامبران اختصاص دارد و بنابراین همه افراد قادر به دریافت وحی نخواهند بود.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۲»: پاکی و تزکیه نفس از شروط وحی نیز محسوب می‌شود؛ وحی شرطی افزون بر شروط شناخت قلبی نیز دارد و آن عبارت است از پیامبر بودن!

گزینه «۳»: وحی و شهود هر دو به‌تدریج و گام‌به‌گام حاصل می‌شوند. گزینه «۴»: شهود و وحی هر دو از جمله شناخت‌های بی‌واسطه محسوب می‌شوند و در این مورد تفاوتی ندارند.

(فلسفه یازدهم، ابزارهای شناخت، صفحه‌های ۵۳ تا ۵۶)

۱۰۷- گزینه «۴»

(کتاب آبی پیمان‌های)

از منظر پراگماتیسم (اصالت عمل)، از طریق تجربه نمی‌توان واقعیت را شناخت. آن‌ها می‌گویند هدف ما کشف واقعیت نیست بلکه ما نیازمند باورهای مفیدی هستیم که در عمل به‌کار ما بیانند. همین فایده و سودمندی، به‌معنای درست بودن است.

(فلسفه یازدهم، گناهی به تاریخچه معرفت، صفحه ۶۷)

۱۰۸- گزینه «۳»

(سپا پیغرزاده صابری)

مقصود از ناطق بودن انسان صرفاً سخن گفتن او نیست، بلکه مقصود اصلی، قوه تفکر و تعقل است. انسان با قوه تفکر خود استدلال می‌کند؛ یعنی از تصدیقات و تصورات خود کمک می‌گیرد و استدلال را سامان می‌دهد. گویا در هنگام استدلال، با خود نطق می‌کند. پس از تنظیم استدلال نیز با سخن گفتن و نطق، محتوای استدلال را به دیگران منتقل می‌نماید.

(فلسفه یازدهم، پیستی انسان (۱)، صفحه ۷۲)

۱۰۹- گزینه «۱»

(کتاب آبی پیمان‌های)

ابن‌سینا نظر ارسطو را درباره حقیقت انسان پسندید و کوشید این دیدگاه را عمیق‌تر بیان کند. ابن‌سینا معتقد است که وقتی بدن دوره جنینی را در رحم مادر گذراند و به مرحله‌ای رسید که صاحب همه اندام‌های بدنی شد، خداوند روح انسانی را به آن عطا می‌کند.

(فلسفه یازدهم، پیستی انسان (۲)، صفحه ۷۹)

۱۱۰- گزینه «۴»

(علی معزی)

از نظر فلاسفه مسلمان هر انسانی فضیلت‌ها را دوست دارد و به‌دنبال کسب آنهاست، زیرا با کسب فضایل احساس لذت می‌کند و به رضایت درونی می‌رسد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: از نگاه فلاسفه مسلمان، انتخاب این فضایل و عمل به آن‌ها چندان هم آسان نیست.

گزینه «۲»: اعتقاد به خداوند اگرچه تقویت‌کننده است، اما به این معنا نیست که عمل به فضیلت قطعی و حتمی شود.

گزینه «۳»: خداوند از بین برنده این تضاد نیست بلکه پشتوانه و یاری‌دهنده ما در ترجیح فضایل اخلاقی است.

(فلسفه یازدهم، انسان، موه‌ود افلاک‌گرا، صفحه‌های ۹۰ و ۹۱)

اقتصاد

۱۱۱- گزینه «ا»

(سارا شریفی)

- مشکل تأمین مالی: معایب کسب و کار شخصی (پس انداز شخصی و قرض از دوستان و خانواده)

- بهره‌مندی از مزایای فعالیت‌های اقتصادی: ویژگی تعاونی‌ها (شرکت تعاونی، کسب و کاری است که با هدف تأمین نیازمندی‌های اعضا تشکیل می‌شود و به بهبود وضعیت اقتصادی آنها کمک می‌کند. در تعاونی تولید، تعدادی تولیدکننده جهت بهره‌مندی از مزایای فعالیت‌های اقتصادی با مقیاس بزرگ، گردهم می‌آیند و با اقدامات جمعی منفعت خود را بیشینه می‌کنند.)

- مسئولیت نامحدود در مقابل بدهی‌ها و دعاوی: معایب کسب و کار شخصی

- امکان رقابت بالاتر: مزایای ایجاد شرکت (به دلیل مقیاس تولید بالا، امکان سرمایه‌گذاری بیشتر و قیمت پایین‌تر نسبت به رقبا)

(اقتصاد، انتقاب نوع کسب و کار، صفحه‌های ۱۵، ۱۸ و ۱۹)

۱۱۲- گزینه «ا»

(سارا شریفی)

قیمت فروش هر قطعه $\times$ تعداد قطعه تولیدی سالانه = درآمد سالانه بنگاه

واحد پولی $25,000,000 = 500 \times 50,000$ = درآمد سالانه بنگاه

حال به بررسی هزینه‌ها می‌پردازیم، می‌توانیم با جمع کردن هزینه‌ها و کم کردن آن‌ها از درآمد، سود یا زیان بنگاه (عملکرد) را محاسبه کنیم:

(دستمزد ماهانه هر کارگر) $= \frac{1}{4}$ = خرید مواد اولیه مورد نیاز سالانه

واحد پولی $5,000 = \frac{1}{4} \times 20,000$

درآمد سالانه بنگاه $= \frac{15}{100} \times$ مالیات سالانه بنگاه

واحد پولی $3,750,000 = \frac{15}{100} \times 25,000,000$

واحد پولی $4,800,000 = 20,000 \times 20 \times 12$ = دستمزد سالانه تمامی کارگران

دستمزد سالانه تمامی کارگران $\times \frac{1}{20} =$ هزینه استهلاک سالانه بنگاه

واحد پولی $240,000 = \frac{1}{20} \times 4,800,000$

واحد پولی $24,000,000 = 2,000,000 \times 12$ = هزینه اجاره سالانه بنگاه

نکته: پرداخت‌هایی که مربوط به بنگاه نیست جزء هزینه‌های تولید محسوب نمی‌شود؛ مانند: هزینه تحصیل فرزندان مدیر کارخانه

حال مجموع هزینه‌های سالانه بنگاه را محاسبه می‌کنیم:

= مجموع هزینه‌های سالانه بنگاه

$4,800,000 + 5,000 + 24,000,000 + 3,750,000 + 240,000$

واحد پولی $32,795,000$

میزان درآمد کمتر از میزان هزینه‌ها است؛ بنابراین این بنگاه اقتصادی در طی یک سال گذشته از فعالیت خود زیان کرده است.

$25,000,000 - 32,795,000$ = میزان زیان سالانه بنگاه

واحد پولی $-7,795,000$

(اقتصاد، کسب و کار و کارآفرینی، صفحه‌های ۸ و ۹)

۱۱۳- گزینه «۲»

(سارا شریفی)

بررسی گزینه‌ها:

گزینه «۱»: نادرست است. با فرض ثابت ماندن منابع کارخانه، دستیابی به نقطه (و) که خارج از مرز امکانات تولید است، ممکن نیست و تولید در نقطه (ه) نیز که داخل مرز امکانات تولید است، ناکارا است.

گزینه «۲»: درست است.

در نقطه (ب) ۲۰۰ عدد کالای B و ۶۰۰ عدد کالای A تولید می‌شود.

در نقطه (ج) ۴۰۰ عدد کالای B و ۳۰۰ عدد کالای A تولید می‌شود.



در نتیجه برای تولید بیشتر کالای B باید در طول مرز امکانات تولید به سمت راست و پایین جابه‌جا شویم یعنی از نقطه (ب) به (ج) حرکت کنیم، در نتیجه میزان تولید کالای B، ۲۰۰ عدد بیشتر می‌شود و از ۲۰۰ به ۴۰۰ می‌رسد، اما میزان تولید کالای A، ۳۰۰ عدد کمتر می‌شود و از ۶۰۰ به ۳۰۰ می‌رسد، بنابراین هزینه فرصت تولید ۲۰۰ واحد بیشتر کالای B، ۳۰۰ واحد کالای A است که از تولید آن صرف‌نظر می‌شود.

گزینه «۳»: نادرست است. در نقطه (ج) عدد کالای B و ۳۰۰ عدد کالای A تولید می‌شود.

در نقطه (د) تمامی امکانات برای تولید کالای B صرف می‌شود و می‌توان ۵۰۰ عدد از این کالا را تولید کرد، و بدیهی است دیگر امکان تولید کالای A وجود نخواهد داشت و میزان تولید این کالا برابر است با صفر. در نتیجه ۳۰۰ واحد کالای A بیشتری، در نقطه (ج) نسبت به نقطه (د) تولید شده است.

گزینه «۴»: نادرست است. اگر تقاضای مشتریان، برای محصول A، افزایش یابد، نقطه تولید از نقطه (ج) به نقطه (ب) جابه‌جا می‌شود.

(اقتصاد، مرز امکانات تولید، صفحه‌های ۳۶ تا ۴۲)

۱۱۴- گزینه «۲»

(س/ا شریفی)

$$100 \times \frac{\text{سطح قیمت قبلی} - \text{سطح قیمت جدید}}{\text{سطح قیمت قبلی}} = \text{نرخ تورم}$$

$$\text{درصد } 25 = \frac{578,125 - 462,500}{462,500} \times 100 = \text{نرخ تورم در کشور B}$$

$$\text{نرخ تورم در کشور C} = \text{نرخ تورم در کشور B} = \text{نرخ تورم در کشور A} = \text{درصد } 25$$

برای کشور A داریم:

$$\frac{25}{100} = \frac{363,125 - x}{x} \Rightarrow 0.25x = 363,125 - x$$

$$\Rightarrow 1.25x = 363,125 \Rightarrow x = \frac{363,125}{1.25} = 290,500$$

راه‌حل ساده‌تر:

ابتدا نرخ تمام را به‌صورت عددی اعشاری نوشته و سپس آن را با عدد یک جمع می‌کنیم. حال قیمت سال جدید را داریم و باید قیمت سال قبل را به‌دست بیاوریم. در این حالت باید قیمت سال جدید را بر عدد به‌دست آمده: (نرخ تورم به صورت اعشاری + ۱) که در اینجا برابر با ۱/۲۵ است، تقسیم کنیم:

$$\frac{363,125}{1/25} = 290,500$$

برای کشور C داریم:

$$\frac{25}{100} = \frac{x - 76,800}{76,800} \Rightarrow 0.25 \times 76,800 = x - 76,800$$

$$\Rightarrow 19,200 = x - 76,800 \Rightarrow x = 96,000$$

راه‌حل ساده‌تر:

قیمت سال قبل را داریم و باید قیمت سال جدید را به‌دست بیاوریم. در این حالت باید قیمت سال قبل را در عدد به‌دست آمده: (نرخ تورم به‌صورت اعشاری + ۱) که در اینجا برابر با ۱/۲۵ است، ضرب کنیم:

$$1/25 \times 76,800 = 96,000$$

(اقتصاد، تورم و کاهش قدرت خرید، صفحه‌های ۱۰۱ و ۱۰۲)

۱۱۵- گزینه «۴»

(نسرین یعفری)

الف) کالای پست: به کالایی گفته می‌شود که با افزایش درآمد، تقاضا برای آن کاهش می‌یابد. (علت کاهش تقاضا این است که مصرف‌کنندگان با افزایش درآمدشان به‌جای مصرف آن کالا، روی به مصرف کالاهایی می‌آورند که کیفیت بالاتری داشته باشند.) با فرض ثابت بودن قیمت کالا، تقاضا برای کالای پست به‌صورت معکوس با درآمد ارتباط دارد.

سویا کالایی پست است و با افزایش درآمد، مردم خرید آن را کاهش می‌دهند.

ب) کالاهای مکمل: کالاهایی هستند که به‌صورت تکمیلی و با هم مصرف می‌شوند. مثل: «برق» و «فر برقی»، افزایش قیمت یکی از کالاهای مکمل باعث کاهش در میزان تقاضا برای کالاهای دیگر خواهد شد و برعکس.



۱۱۷- گزینهٔ «ا»

(سارا شریفی)

الف) در سطوح قیمت پایین‌تر از قیمت تعادلی، مصرف‌کنندگان به دلیل ارزان بودن کالا، مایل به خرید تعداد واحد بیشتری از کالا هستند. در این حالت در بازار این کالا، کمبود عرضه یا مازاد تقاضا وجود دارد. زیرا به دلیل ارزان بودن کالا، تقاضا برای آن زیاد است. درحالی‌که تولیدکنندگان برای تولید آن کالا به آن مقدار، انگیزهٔ کافی ندارند؛ در نتیجه تولید و عرضهٔ آن کم می‌شود. بنابراین در سطح قیمت ۲۰۰ ریال، داریم:

= کمبود عرضه یا مازاد تقاضا در سطح قیمت ۲۰۰ ریال

مقدار عرضه در قیمت ۲۰۰ ریال - مقدار تقاضا در قیمت ۲۰۰ ریال

کیلو $400 = 400 - 800 =$

ب) در سطوح قیمت بالاتر از قیمت تعادلی، مصرف‌کنندگان به دلیل قیمت بالا، مایل به خرید تعداد واحد کم‌تری از کالا هستند. در این حالت در بازار این کالا، مازاد عرضه یا کمبود تقاضا وجود دارد. زیرا گروهی از تولیدکنندگان برای محصولات خود خریدار پیدا نمی‌کنند. در این حالت به دلیل گران بودن کالا، تولیدکنندگان که به دنبال کسب سود بیشتری هستند، به تولید بیشتر می‌پردازند درحالی‌که مصرف‌کنندگان به خرید و مصرف این کالای گران تمایل نشان نمی‌دهند.

بنابراین در سطوح قیمت ۳۰۰، ۳۵۰ و ۴۰۰ ریال بازار با مازاد عرضه مواجه است و به میزان مازاد عرضه، تولیدکنندگان موفق به فروش کالای خود نمی‌شوند. یعنی در قیمت ۳۰۰ ریال، ۴۰۰ کیلو از کالا، در قیمت ۳۵۰ ریال، ۸۰۰ کیلو از کالا و در قیمت ۴۰۰ ریال، تولیدکنندگان موفق به فروش ۱۲۰۰ کیلو از کالای خودشان نمی‌شوند.

پ) در سطوح قیمت بالاتر از قیمت تعادلی، (ناحیهٔ A) مصرف‌کنندگان به دلیل قیمت بالا، مایل به خرید تعداد واحد کم‌تری از کالا هستند. در این حالت در بازار این کالا، مازاد عرضه یا کمبود تقاضا وجود دارد.

ت) در حالت کمبود عرضه یا مازاد تقاضا چون گروهی از مصرف‌کنندگان موفق به خرید کالای مورد نیاز خود نخواهند شد، این گروه برای خرید کالا

به عنوان مثال، کاهش قیمت برق باعث افزایش تقاضا برای فر برقی خواهد شد. کالاهای جانشین: کالاهایی هستند که در استفاده یا مصرف جایگزین یکدیگر می‌شوند. اگر قیمت یک کالا افزایش یابد، تقاضا برای آن کالا کاهش و تقاضا برای کالای جانشین افزایش می‌یابد. برعکس زمانی که قیمت یک کالا کاهش می‌یابد، تقاضا برای آن کالا افزایش و تقاضا برای کالای جانشین کاهش می‌یابد. کالاهای جانشین مانند: گوشت سفید و قرمز

به عنوان مثال، افزایش قیمت گوشت مرغ باعث کاهش تقاضا برای آن و افزایش تقاضا برای گوشت قرمز خواهد شد.

پ) ابداعات و اختراعات معمولاً با کاهش هزینه‌ها اثر مثبتی بر مقدار تولید و عرضه دارند.

(اقتصاد، بازار پیست و چگونه عمل می‌کند؟، صفحه‌های ۳۸ تا ۵۱)

۱۱۶- گزینهٔ «ا»

(مهدی ضیائی)

الف) گاهی دولت‌ها برای حمایت از صنایع داخلی خود و کاهش وابستگی اقتصادی به کشورهای دیگر، تعرفه‌های گوناگونی بر واردات برخی از کالاها وضع می‌کنند و گاهی در جهت گسترش روابط اقتصادی‌شان با کشورهایی که دیدگاه‌های نزدیک سیاسی با یکدیگر دارند، پیمان‌های تجاری وضع می‌کنند و تعرفه‌ها را کاهش می‌دهند.

ب) در اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم، کشورهای آلمان و اروپای شرقی و ایالات متحده در جهت تقویت و حمایت از صنایع داخلی خود، تعرفه‌های حمایتی متعددی بر کالاهای وارداتی وضع کردند.

ج) ایالات متحده در دههٔ ۷۰ قرن بیستم نیز مجدداً به سیاست‌های حمایت‌گرایانه در مقابل تجارت آزاد روی آورد.

(اقتصاد، تجارت بین‌الملل، صفحهٔ ۷۵)



مالیات بر ارزش افزوده جمع آوری شده توسط فروشنده در مرحله دوم -

$$(13,600 \times \frac{15}{100}) - (6,200 \times \frac{15}{100}) = 2,040 - 930 = 1,110 \text{ تومان}$$

ج) دقت کنید همواره مجموع مالیات بر ارزش افزوده جمع آوری شده با «مالیات بر ارزش افزوده جمع آوری شده توسط فروشنده در مرحله آخر» برابر است؛ بنابراین، خواهیم داشت:

= مجموع مالیات بر ارزش افزوده جمع آوری شده

مالیات بر ارزش افزوده جمع‌آوری شده توسط فروشنده در مرحله آخر (مرحله سوم)

$$= 13,600 \times \frac{15}{100} = 2,040 \text{ تومان}$$

(اقتصاد، نقش دولت در اقتصاد چیست؟، صفحه ۶۳)

(سارا شریفی)

۱۲۰- گزینہ «۱»

$$\text{ارزش بازاری هر سهم} = \frac{\text{سرمایه فرد} + \text{کل سود دریافتی}}{\text{تعداد کل سهام}}$$

$$\Rightarrow \frac{20,000,000 + 60,000,000}{X} = 1600$$

$$\Rightarrow x = \frac{80,000,000}{1600} = 50,000 \text{ (تعداد کل سهام)}$$

$$\text{ارزش اسمی هر سهم} = \frac{\text{ارزش سهام خریداری شده}}{\text{تعداد کل سهام}}$$

$$= \frac{60,000,000}{50,000} = 1,200 \text{ تومان}$$

(اقتصاد، یس انداز و سرمایہ گزاری، صفحہ ۱۵۶)



حاضر خواهند بود مبلغ بالاتری بپردازند و این امر سبب افزایش قیمت کالا می‌شود. افزایش قیمت باعث می‌شود که از یک سو تولیدکنندگان رغبت بیشتری به تولید نشان دهند و از سوی دیگر مصرف‌کنندگان از مصرف خود بکاهند. این افزایش قیمت تا رسیدن به سطح قیمت تعادلی و از بین رفتن فاصله بین عرضه و تقاضا ادامه می‌یابد. بنابراین در نقطه X قیمت افزایش می‌یابد، تا بازار به سمت تعادل برود.

(اقتصاد، بازار پیست و چگونه عمل می‌کند؟، صفحه‌های ۴۱ تا ۵۱ و ۵۳)

۱۱۸- گزینہ «۲»

(علیرضا، رضایی)

(الف)

$$= (900 \times 150) + (3500 \times 220)$$

$$= 135,000 + 770,000 = 905,000 \text{ میلیارد ریال}$$

(پ

$$۲۰۲۰ \text{ سال واقعی داخلی تولید ناخالص} = (۸۲۰ \times ۱۲۰) + (۲۵۰۰ \times ۱۵۰)$$

$$= 98,400 + 375,000 = 473,400 \text{ مليار ريال}$$

$$= (900 \times 120) + (3500 \times 150)$$

$$= 108,000 + 525,000 = 633,000 \text{ میلیارد ریال}$$

$$\text{نرخ رشد تولید ناخالص داخلی واقعی سال } 2021 = \frac{633,000 - 473,400}{473,400} \times 100 \approx 33 \text{ درصد}$$

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه‌های ۱۲۲ و ۱۲۳)

۱۱۹-گزینہ «۱»

(مہدی ضیائی)

الف) نرخ مالیات بر ارزش افزوده ۱۵ درصد است؛ بنابراین مالیات بر ارزش افزوده جمع آوری شده توسط فروشنده در مرحله اول برابر است با:

$$۲,۴۰۰ \times \frac{۱۵}{۱۰۰} = ۳۶۰ \text{ تومان}$$

(ب) برای محاسبه مالیات بر ارزش افزوده خالص جمع آوری شده در مرحله سوم باید طبق فرمول زیر عمل کنیم:

مالیات بر ارزش افزوده خالص جمع آوری شده در مرحله سوم

مالیات بر ارزش افزوده جمع‌آوری شده توسط فروشنده در مرحله سوم =